



امام مجد باقر علیه السلام

الباقر، امام مجد بن علی علیه السلام، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، امام پنجم از ائمه اثنا عشر و یکی از چهارده معصوم می باشد.

فهرست مندرجات

- ۱ - کنیه امام باقر (علیه السلام)
- ۲ - القاب امام باقر (علیه السلام)
- ۳ - نسب امام باقر (علیه السلام)
- ۴ - مادر امام باقر (علیه السلام)
 - ۴.۱ - فضایل مادر حضرت
 - ۴.۲ - اقوال درباره نام مادر حضرت
 - ۴.۲.۱ - سبط ابن جوزی
 - ۴.۲.۲ - اربلی
- ۵ - تولد امام باقر (علیه السلام)
- ۶ - شهادت امام باقر (علیه السلام)
 - ۶.۱ - ماه و روز شهادت
 - ۶.۲ - محل شهادت
- ۷ - سوانح حیات امام باقر (علیه السلام)
 - ۷.۱ - ائمه زمان حضرت
 - ۷.۲ - خلفای زمان حضرت
 - ۷.۳ - فعالیت‌های فرهنگی
 - ۷.۴ - احضار شدن به شام
- ۸ - فرزندان امام باقر (علیه السلام)
- ۹ - شمایل امام باقر (علیه السلام)
- ۱۰ - سیره امام باقر (علیه السلام)
 - ۱۰.۱ - میزان بهره‌مندی از دنیا
 - ۱۰.۲ - کشاورزی
 - ۱۰.۳ - هزینه زندگی
 - ۱۰.۴ - مردم‌داری
 - ۱۰.۵ - زهد
 - ۱۰.۶ - بیان حقایق عرفانی
 - ۱۰.۷ - ذکر
 - ۱۰.۸ - مواجهه با مصائب
 - ۱۰.۹ - فروتنی
 - ۱۰.۱۰ - عبادت
- ۱۱ - مقام علمی امام باقر (علیه السلام)
 - ۱۱.۱ - وجه تسمیه به باقر
 - ۱۱.۱.۱ - روایت پیامبر
 - ۱۱.۱.۲ - نظر ابن عماد
 - ۱۱.۱.۳ - نظر ابن خلکان
 - ۱۱.۱.۴ - نظر ابن منظور
 - ۱۱.۱.۵ - نظر زبیدی
 - ۱۱.۲ - فقه و حدیث حضرت
 - ۱۱.۲.۱ - نظر نسایی
 - ۱۱.۲.۲ - نظر ذهبی
 - ۱۱.۲.۳ - نظر شیخ مفید
 - ۱۱.۲.۴ - نظر عبدالله مکی
- ۱۲ - راویان امام باقر (علیه السلام)
- ۱۳ - یاران خاص امام باقر (علیه السلام)
- ۱۴ - احادیث امام باقر (علیه السلام)
 - ۱۴.۱ - کتب اهل سنت
 - ۱۴.۱.۱ - علل کم بودن احادیث
 - ۱۴.۱.۲ - نوع روایات نقل شده
 - ۱۴.۱.۳ - نقل امام از افراد
 - ۱۴.۲ - موضوعات احادیث امام
 - ۱۴.۳ - تفسیر منسوب به امام
- ۱۵ - اهداف حلقه‌های درسی امام باقر (علیه السلام)
 - ۱۵.۱ - عرضه دیدگاه‌های اسلامی
 - ۱۵.۲ - روشن‌گری درباره انحرافات

- ۱۵.۳ - گشایش ابواب علمی غیرمطرح
- ۱۵.۴ - پرورش دانشمندان اسلامی
- ۱۶ - مناظرات امام باقر (علیه‌السلام)
- ۱۶.۱ - مناظرات گردآوری شده
- ۱۶.۲ - مناظرات مشهور
- ۱۶.۳ - بررسی مناظره با نافع
- ۱۷ - مواضع و اقدامات سیاسی امام باقر (علیه‌السلام)
- ۱۷.۱ - جای‌گاه اجتماعی امام
- ۱۷.۲ - تقیه امام
- ۱۷.۳ - مواجهه با هشام
- ۱۷.۴ - گزارش ابن ابی‌الحدید
- ۱۷.۵ - گزارشات دیگر
- ۱۷.۶ - پرهیز از اقدام سیاسی عمومی
- ۱۷.۷ - راهنمایی حاکمان اموی
- ۱۸ - امامت امام باقر(علیه‌السلام) در میان شیعیان
- ۱۸.۱ - مخالفان امامت حضرت از شیعیان
- ۱۸.۱.۱ - کیسانیه
- ۱۸.۲ - سرحوبیه
- ۱۸.۲.۱ - زیدیه
- ۱۸.۲.۲ - ولد الحسن
- ۱۸.۳ - احادیث اثبات امامت حضرت
- ۱۸.۴ - دلایل کلامی امامت حضرت
- ۱۹ - فرق شیعه بعد از امام باقر (علیه‌السلام)
- ۱۹.۱ - پیروان نفس زکیه
- ۱۹.۲ - پیروان ابومنصور عجلی
- ۱۹.۳ - باقریه
- ۲۰ - رابطه امام باقر (علیه‌السلام) و شیعیان
- ۲۱ - عناوین مرتبط
- ۲۲ - فهرست منابع
- ۲۳ - پانویس
- ۲۴ - منبع

کنیه امام باقر (علیه‌السلام)

راویان و محدثان شیعه غالباً با **کنیه** ابوجعفر از امام باقر علیه‌السلام یاد کرده‌اند. برای تمایز احادیث منقول از امام نهم، حضرت **محمد بن علی الجواد** علیه‌السلام، که او نیز کنیه ابوجعفر داشته است، از **روایات** امام باقر علیه‌السلام، لفظ «ثانی» را به کنیه امام نهم افزودند.^[۱] مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۱۲، ص ۴۳۴-۴۳۵.

القاب امام باقر (علیه‌السلام)

لقب مشهورشان «**باقر**» یعنی شکافنده علوم است (رجوع کنید به دنباله مقاله)، اما القاب دیگری چون «هادی» و «شاکر» هم داشته‌اند.^[۲] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفة الائمه، ج ۲، ص ۳۳۹.

نقش انگشتری ایشان نیز، به روایت **ابن عساکر**،^[۳] ابن عساکر، ترجمة الامام زين العابدين علی بن الحسين عليه‌السلام و تليها ترجمة ابنه الامام محمد الباقر عليه‌السلام من تاريخ مدينة دمشق، ج ۱، ص ۱۴۱۴۱۳. «الْقُوَّةُ لَكُمْ جَمِيعًا» بوده است.

نسب امام باقر (علیه‌السلام)

حضرت باقر علیه‌السلام از سوکی پدر، **نوه امام حسین** علیه‌السلام و از سوکی مادر، **نوه امام حسن** علیه‌السلام است.

مادر امام باقر (علیه‌السلام)

مادرشان فاطمه دختر امام حسن علیه‌السلام بود، ازین‌رو در حقّ او گفته‌اند: علوی بود که از دو سوکی **علوی** بود و فاطمی بود که از دو سوکی **فاطمی** بود.^[۴] ابن شهر آشوب، مجد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۳۸.

← فضایل مادر حضرت

فاطمه بنت الحسن، که به **امّ‌عبدالله** (یا **امّ‌عبد**، یا **امّ‌حسین**) شهرت داشت، بانویی جلیل‌القدر بود و از حضرت **صادق** علیه‌السلام درباره او نقل شده است که «او صدیقه بود و در آل **حسین** زنی چون او نبوده است».^[۵] کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۹.

← اقوال درباره نام مادر حضرت

← سبط ابن جوزی

برخی از متأخران چون **سبط ابن جوزی** (متوفی ۶۴۵) ^[۶] سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، ج ۱، ص ۲۰۲. و ابن خلکان (متوفی ۶۸۱) ^[۷] ابن خلکان، شمس‌الدین، وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴.

مادر امام پنجم را دختر **حسن مثنیٰ** و نوه امام **مجتبیٰ علیه‌السلام** دانسته‌اند.
این قول صحیح نیست، زیرا مورخان قرن سوم و از جمله **یعقوبی**
[۸] یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ البیوقی، ج ۲، ص ۳۰۵.
[۹] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۴۷.
و نیز **علوی عمری**، **نسب شناس** قرن پنجم،
[۱۰] علوی، علی بن محمد، المجدی فی انساب الطالبین، ج ۱، ص ۲۰.
تصریح کرده‌اند که او دختر امام مجتبیٰ علیه‌السلام بوده است.

← اربلی

اِربلی

[۱۱] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۳۱.
نیز به نقل از **حافظ عبدالعزیز جُنابذی** (متوفی ۶۱۱)، مادر امّ‌عبدالله را امّ‌قزوه دختر **قاسم بن محمد ابی بکر** (متولّد ۳۷) دانسته، که اشتباه است.
زیرا به تصریح علما، از جمله **شیخ مفید**
[۱۲] مفید، مجد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۱۷۶.
[۱۳] ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۶.
امّ‌قزوه همسر امام باقر علیه‌السلام بوده است.
منشأ این اشتباه خطایی است که در کتابت و نقل رخ داده و بر اثر حذف شدن قسمتی از **روایت**، عبارت راجع به **فرزندان امام باقر** علیه‌السلام (یعنی امام صادق علیه‌السلام و عبدالله بن محمد) به خطا به مادر آن حضرت نسبت داده شده است.
این اشتباه عیناً در **بحار الانوار**
[۱۴] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۱۸.
تکرار شده است، ولی عبارت درست و کامل را **ابن سعد**
[۱۵] ابن سعد، مجد، الطبقات الکبیر، ج ۵، ص ۳۲۰.
و **ابن جوزی**
[۱۶] ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی، صفة الصفوة، ج ۲، ص ۱۰۸.
آورده‌اند.
اربلی، نیز عبارت ابن جوزی را در صفحات بعد
[۱۷] ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی، صفة الصفوة، ج ۲، ص ۳۵۹.
نقل کرده است.

تولد امام باقر (علیه‌السلام)

همه منابع محل تولد آن حضرت را **مدینه** نوشته، ولی در سال ولادتشان اختلاف دارند.
بیشتر منابع شیعی تولد آن حضرت را در ۵۷ هجری دانسته‌اند

[۱۸] کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۹.
[۱۹] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۲۸.
[۲۰] مفید، مجد بن محمد، الارشاد، ج ۱، ص ۱۵۸.
(**مجلسی**)
[۲۱] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۱۲.
بیشتر اقوال را آورده است، و برخی از مورخان **اهل سنت** نیز بر این قولاند،
[۲۲] ابن خلکان، شمس‌الدین، وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴.
اما عده‌ای سال ۵۶ را ذکر کرده‌اند.
[۲۳] حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۲، ص ۷۲.
[۲۴] ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۱.
[۲۵] صفدی، خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۷۷.

در روز تولد ایشان نیز اختلاف است.

شیخ طوسی

[۲۶] طوسی، مجد بن حسن، مصباح المتجهّد، ج ۱، ص ۸۰۱.

فضل بن حسن طبرسی

[۲۷] طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۹۸.

و دیگران

[۲۸] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۱۲.

روز ولادت آن حضرت را **روز جمعه اول ماه رجب** و به گفته **طبرسی** بعضی تولّد ایشان را در سوم صفر می‌دانند.

از معاصران نیز، **سید محسن امین**

[۲۹] امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۴۵.

و حاج شیخ عباس قمی

[۳۰] قمی، عباس، منتهی الامال، ج ۲، ص ۹۶.

آن را سوم صفر یا اول رجب؛ و از اهل سنت، ابن خلکان

[۳۱] ابن خلکان، شمس‌الدین، وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴.

سوم صفر ضبط کرده‌اند.

شهادت امام باقر (علیه‌السلام)

تاریخ **رحلت** امام باقر علیه‌السلام را با اختلاف پنج سال، از ۱۱۳ تا ۱۱۸، ذکر کرده‌اند.

ابن سعد

[۳۲] ابن سعد، مجد، الطبقات الکبیر، ج ۵، ص ۳۲۴.

نخست با نقل خبری از استاد خود **واقدی** تاریخ رحلت آن حضرت را سال ۱۱۷ و مدت عمرشان را ۷۳ سال ذکر می‌کند، سپس می‌گوید که رحلت ایشان را در

۱۱۸ و ۱۱۴ هم دانسته‌اند.

ابن اثیر

[۳۳] ابن اثیر، ابوالحسن، الكامل فی تاریخ، ج ۵، ص ۱۸۰.

نیز عمر حضرت باقر علیه‌السلام را ۷۳ سال ثبت کرده و ۵۸ سال را نیز نسبت داده است.

اما پیش‌تر مورخان شیعی و سنی **وفات** آن حضرت را در ۱۱۴ و اکثر **سیره نویسندگان شیعه** عمر وی را ۵۷ سال دانسته‌اند)

[۳۴] حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۲، ص ۷۲.

[۳۵] ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۱.

[۳۶] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۳۲۱۹.

و منابع دیگر).

به هر حال، ۷۳ سال یقیناً نادرست است، زیرا در آن صورت باید در سال ۴۴ متولد شده باشند.

اما چون عموم مورخان تولد پدرش **علی بن حسین** علیه‌السلام را در سال ۲۸ نوشته‌اند و بنا بر این در سال ۴۴ آن حضرت بیش از شش سال نداشته است، امکان تولد حضرت باقر علیه‌السلام در سال ۴۴ منتفی است.

یعقوبی

[۳۷] یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰.

هر چند وفات حضرت باقر علیه‌السلام را به سال ۱۱۷ می‌داند، می‌گوید که وی ۵۸ سال عمر کرده و در **واقعۀ عاشورا** چهار ساله بوده است. اما چون واقعۀ عاشورا در سال ۶۱ هجری بوده، وفات آن حضرت سال ۱۱۴ می‌شود نه ۱۱۷.

به نظر می‌رسد که چون مورخان اهل سنت، ولادت را سال ۵۶ و وفات را ۱۱۴ ثبت کرده‌اند، باید **عمر** امام باقر علیه‌السلام را ۵۸ سال بدانند.

[۳۸] حنبلی، ابن عماد، شدرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۲، ص ۷۲.

← ماه و روز شهادت

در ماه و روز رحلت آن حضرت نیز اختلاف است و آن را در **ربیع الاول** و هفتم **ذی الحجه** و **ربیع الاخر** گفته‌اند.

[۳۹] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۳۲۱۹.

[۴۰] امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۴۵.

[۴۱] قمی، عباس، منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۲۵.

برخی از مورخان، از جمله ابن خلکان

[۴۲] ابن خلکان، شمس الدین، وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴.

و صفدی

[۴۳] صفدی، خلیل بن ایوب، الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۷۷.

محل وفات او را ده‌کده‌ای به نام **حَمِیْمَه** واقع در منطقه **شِراة** بین راه مدینه به **دمشق**

[۴۴] ابن خلکان، شمس الدین، وفیات الاعیان، ج ۲، ص ۲۷۸.

دانسته‌اند.

← محل شهادت

در باره محل **دفن** آن حضرت، **گورستان بقیع** در مدینه، اختلافی دیده نمی‌شود.

در روایت **ابوبصیر** از حضرت صادق علیه‌السلام که **کلینی**

[۴۵] کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۷۲.

و به نقل از او **مجلسی**

[۴۶] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۷.

آورده است، آن حضرت می‌فرماید که پدرم به سال ۱۱۴ وفات یافت و پس از پدر نوزده سال و دو ماه زنده بود.

چون رحلت امام سجاد علیه‌السلام را بیش‌تر مورخان در محرم نوشته‌اند، ظاهراً رحلت امام باقر علیه‌السلام در ربیع الاول بوده است.

ولی از ظاهر تعبیر بیشتر مورخان و صریح عبارت **شهید اول** (مجلسی

[۴۷] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۷.

به نقل از الدروس) و قمی

[۴۸] قمی، عباس، منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۲۵.

برمی‌آید که هفتم **ذی الحجه** را برگزیده‌اند.

سوانح حیات امام باقر (علیه‌السلام)

بنا بر اشهر اقوال، تولد امام باقر علیه‌السلام در سال ۵۷ و وفات آن حضرت در ۱۱۴ است و مدت عمر او ۵۷ سال و مدت امامتش ۱۹ یا ۲۰ سال (**محرم** ۹۴ تا ربیع الاول یا ذی الحجه ۱۱۴) است.

← ائمه زمان حضرت

چهار سال از حیات جدّ خود امام حسین علیه‌السلام و ۲۷ سال از زندگی پدر خود حضرت علی بن حسین علیه‌السلام را درک کرد.

← خلفای زمان حضرت

دوران زندگی با حکومت ده تن از **خلفای اموی** (از **معاویه بن ابی سفیان** تا **هشام بن عبدالملک**) و ایام امامتش با حکومت پنج تن از ایشان - **ولید بن عبدالملک** (متوفی ۹۶) و **سلیمان بن عبدالملک** (متوفی ۹۹) و **عمر بن عبدالعزیز** (متوفی ۱۰۱) و **یزید بن عبدالملک** (متوفی ۱۰۵) و **هشام بن عبدالملک** (متوفی ۱۲۵) مقارن بود.

پس این‌که بعضی از جمله **ابن شهر آشوب**

[۴۹] ابن شهر آشوب، مجد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۴۰.

و مجلسی به نقل از او در بحار الانوار،

[۵۰] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۶.

سال‌های **امامت** او را تا زمان **خلافت** ولید بن یزید بن عبدالملک (مقتول ۱۲۶) و یزید بن ولید بن عبدالملک (متوفی ۱۲۶) و برادرش ابراهیم بن ولید (مخلوع در

۱۲۷) بسط داده‌اند، اشتباه کرده‌اند.

[۵۱] امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۴۵.

مسعودی

[۵۲] مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۲۳۲.

ضمن آن‌که وفات امام باقر علیه‌السلام را به دوران حکومت ولید بن یزید نسبت داده، گفته است که بعضی وفات ایشان را در روزگار یزید بن عبدالملک دانسته‌اند.

← فعالیت‌های فرهنگی

بنا بر آنچه از منابع معتبر به دست می‌آید، دوران زندگی امام پنجم بیش‌تر در **شهر مدینه** به نشر معارف دینی و ارشاد **شیعیان** و **تربیت** شاگردان گذشت.

← احضار شدن به شام

به روایت کلینی،

[۵۳] کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۷۱-۴۷۲.

[۵۴] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۰۶۳۲۰.

یک بار در دوران هشام بن عبدالملک (حک: ۱۰۵-۱۲۵) آن حضرت و فرزندش **امام صادق** علیه‌السلام از مدینه به **شام** احضار شدند. این ماجرا بعد از مراسم **حج**، که هشام و امام باقر علیه‌السلام هر دو در آن حضور داشتند، روی داده و ظاهراً قصد هشام از این کار **ارباب** امام بوده است.

بیهقی

[۵۵] بیهقی، ابراهیم بن مجد، المحاسن و المساوی، ج ۲، ص ۲۳۲-۲۳۶.

به نقل از **کسایبی** و نقلی او از **هارون خلیفه عباسی**، سفر دیگر آن حضرت را به شام به دعوت **عبدالملک مروان** (حک: ۶۵-۸۶) گزارش کرده که البته پیش از دوران امامت او بوده است. (در باره این دو **سفر** و آنچه میان امام و خلفای اموی گذشت رجوع کنید به دنباله مقاله) ابن عساکر

[۵۶] ابن عساکر، ترجمة الامام زین العابدین علی بن الحسین علیه‌السلام و تلیها ترجمة ابنه الامام مجدالباقر علیه‌السلام من تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۲۷.

نیز دعوت عمر بن عبدالعزیز (حک: ۹۹-۱۰۱) از ایشان را به شام، به منظور **رایزنی** برخی از مسائل دانسته است.

به گفته او، عمر بن عبدالعزیز به **فقا** علاقه فراوان داشت و آنان را نزد خود دعوت می‌کرد که از جمله ایشان امام باقر علیه‌السلام بود.

فرزندان امام باقر (علیه‌السلام)

ابن سعد

[۵۷] ابن سعد، مجد، الطبقات الکبیر، ج ۵، ص ۳۲۰.

فرزندان حضرت باقر علیه‌السلام را **چهار پسر** و دو دختر نوشته است.

مفید و طبرسی پنج پسر و دو دختر به این شرح نوشته‌اند: ابوعبدالله جعفر (امام صادق علیه‌السلام) و عبدالله (ابن شهر آشوب

[۵۸] ابن شهر آشوب، مجد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۱۰.

به اشتباه او را **عبدالله افطخ** خوانده است) که مادر این دو **ام‌قروه** دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر بود؛ ابراهیم و عبیدالله که در کودکی درگذشتند و مادرشان **ام‌حکیم** دختر اسید (اسد و سید هم ثبت شده است) بن مغیره الثقفی بود؛ علی و زینب و ام‌سلمه که مادرهایشان **کنیز** بوده‌اند.

ازلی ضمن نقل کامل سخن مفید، از **ابن طلحه شافعی** روایت کرده است که او فرزندان امام را سه پسر و یک دختر دانسته است.

[۵۹] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۳۳۰.

علوی عمری

[۶۰] علوی، علی بن مجد، المجدی فی انساب الطالبین، ج ۱، ص ۹۴.

فرزندان امام را سه دختر و شش پسر ذکر کرده، اما سومین دختر را نام نبرده و نام پسر ششم را، که با ابراهیم و عبیدالله از یک **مادر** بوده، زید نوشته است. نسل ایشان، هم‌چنان‌که علوی عمری

[۶۱] علوی، علی بن مجد، المجدی فی انساب الطالبین، ج ۱، ص ۹۴.

نیز یادآوری کرده، فقط از فرزند برومندش امام صادق علیه‌السلام باقی ماند.

شمایل امام باقر (علیه‌السلام)

امام باقر علیه‌السلام میانه بالا و گندم‌گون و لاغر میان بود.

پوستی شاداب و نرم و موی مجعد داشت.

صدایش نیکو بود و بر گونه‌اش خالی دیده می‌شد.

[۶۲] ابن شهر آشوب، مجد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۹.

محمد بن منکدر ایشان را تنومند وصف کرده است.

[۶۳] مفید، مجد بن مجد الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۶۱.

سیره امام باقر (علیه‌السلام)

← میزان بهره‌مندی از دنیا

در منابع شیعی روایاتی نقل شده است که بر طبق آن‌ها امام باقر علیه‌السلام از پوشیدن **لباس** خوب و پاکیزه و تهیه **غذاهای** خوب در **خانه** دریغ نداشت و خصوصاً برای رعایت حال برخی از افراد خانه این کار را لازم می‌دید.

[۶۴] مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲۸۰، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.

[۶۵] مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۶، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.

[۶۶] مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۸، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.

این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که در روزگار ایشان برخی گرایش‌های **ترک دنیا** پیدا شده بود. و شاید به همین دلیل است که این موضوع در منابع نقل شده است.

← کشاورزی

امام با آن‌که از مرتبت بلند اجتماعی برخوردار بود و به گفته **ذهبی**

[۶۷] ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۲.

سروری و دانش و رفتار صحیح را یکجا جمع کرده بود، شخصاً در گرمای **حجاز** در **مرزعه** کار می‌کرد و انگیزه این کار را اطاعت **خدا** و بی نیاز شدن خود و خانواده‌اش از مردم می‌دانست.

[۶۸] مجد بن مجد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۶۲، قم ۱۴۱۳.

← هزینه زندگی

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که فرمود پدرم از سایر افراد **خاندان** خود درآمد کمتری داشت، ولی هزینه زندگی او از همه بیشتر بود.

[۶۹] مجدباقر بن مجدتقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۴، بیروت ۱۴۰۲.

← مردم‌داری

آمد و شد **خویشانش** او را دل‌گیر نمی‌کرد و از آنان با خوراک‌های خوب پذیرایی می‌کرد و جامه‌های نیکو و مال نقد می‌بخشید. [۷۰] مجدباقر بن مجدتی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۱-۲۹۰، بیروت ۱۴۰۳.

این روش را با دیگران نیز به کار می‌گرفت و هرگز از **بخشش** به برادران و متقاضیان و کسانی که به امید نزد وی آمده بودند، دریغ نمی‌کرد. [۷۱] مجدباقر بن مجدتی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۸۸، بیروت ۱۴۰۳.

همچنین خدمت‌کاران خود را در کارهای دشوار، یاری می‌کرد. [۷۲] مجدباقر بن مجدتی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۰۲، بیروت ۱۴۰۳.

هرگاه می‌خواست به سائلی کمک مالی کند او را «یا سائل» نمی‌خواند، بلکه «یا عبدالله» (ای بنده خدا) می‌گفت. [۷۳] ابن قتیبه، کتاب عیون الاخبار، ج ۲، ص ۲۰۸، بیروت (بی تا).

← زهد

امام باقر علیه‌السلام را از زاهدان بزرگ عالم **اسلام** خوانده‌اند. **ابونعیم** با عبارت «الحاضرُ الذاکر، الخاشعُ الصّابر» از ایشان یاد کرده است. [۷۴] احمد بن عبدالله ابونعیم، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۳، ص ۱۸۰، بیروت ۱۲۸۷/۱۹۶۷.

عطار کتاب **تذکرة الاولیاء** [۷۵] مجد بن ابراهیم عطار، کتاب تذکرة الاولیاء، ج ۲، ص ۳۲۹، چاپ نیکلسون، لیدن ۱۹۰۵، (تهران، بی تا). خود را با یاد این **امام** خاتمه داده و، به پیروی از **هجویری**، [۷۶] علی بن عثمان هجویری، کشف المحجوب، ج ۱، ص ۹۲-۹۳، چاپ ژوکوفسکی، تهران ۱۳۵۸ ش. از آن حضرت به «برهان ارباب مشاهدت» و «امام اولاد نبی» و «گزیده نسل علی» تعبیر کرده است.

← بیان حقایق عرفانی

علاوه بر زهد عملی، بیانات آن حضرت در تفسیر الفاظی چون **عبادت**، **محبت**، **عنا**، **تقوا**، **توکل** و **دینا** راه‌گشای کسانی بوده که **دین** را از وجهه معنوی و **عرفانی** می‌نگریسته‌اند. به گفته **ابن حجر هینمی** [۷۷] ابن حجر هینمی، الصواعق المخرفة فی الرد علی اهل البدع والزندقة، ج ۱، ص ۲۰۱، چاپ عبدالوهاب عبداللطیف، قاهره ۱۲۸۵/۱۹۶۵. امام باقر علیه‌السلام در ترسیم **مقامات عارفان** و بیان **حقایق عرفانی** سخنانی دارد که زبان از وصف آن عاجز است.

← ذکر

کلینی از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است که فرمود پدرم همواره **ذکر** خدا می‌گفت و افراد خانواده خود را هم به این کار سفارش می‌کرد. [۷۸] مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۹۹، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱. [۷۹] مجدباقر بن مجدتی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۹۷، بیروت ۱۴۰۳. در سفر حجّ او را دیدند که **غسل** کرد و با پای برهنه وارد منطقه **حرم** شد، چون به **مسجد الحرام** رسید، به **کعبه** نگریست و با صدای بلند **گریه** کرد. آن‌گاه **طواف** کرد و بعد از **نماز** سر به **سجده** نهاد، هنگامی که سر از **زمین** برداشت محلّ **سجده** از بسیاری **اشک** مرطوب شده بود. [۸۰] علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الاثمة، ج ۲، ص ۳۲۹، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱. [۸۱] مجدباقر بن مجدتی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۹۳، بیروت ۱۴۰۳.

← مواجهه با مصائب

در برابر **مصائب** تسلیم بود و همواره می‌ترسید که میادا نعمت‌های خدا را ناسپاسی کرده باشد. زمانی یکی از افراد خانواده او **بیمار** شد و سپس درگذشت. امام که از بیماری او ناراحت بود، بعد از **مرگ** وی هرگز اظهار **جزع** نکرد و فرمود: آنچه را دوست می‌داریم از خدا می‌خواهیم، اما وقتی آنچه برای ما ناگوار است روی دهد، نسبت به آنچه خدا برای ما پسندیده است، مخالفت نمی‌کنیم. [۸۲] ابن عساکر، ترجمة الامام زین العابدین علی بن الحسین علیه‌السلام و تلیها ترجمة ابنه الامام مجدباقر علیه‌السلام من تاریخ مدینة دمشق، ج ۱، ص ۱۶۱، چاپ مجدباقر محمودی، تهران ۱۴۱۳. [۸۳] ابن قتیبه، کتاب عیون الاخبار، ج ۲، ص ۵۷، بیروت (بی تا).

← فروتنی

آن حضرت در برابر دوستان **فروتنی** می‌کرد و **بد زبانی** افراد را نادیده می‌انگاشت. [۸۴] ابن شهر آشوب، مجد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۷.

← عبادت

ذهبی [۸۵] ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۳. نقل کرده است که امام باقر علیه‌السلام در شبانه روز صد و پنجاه **رکعت** نماز می‌گزارد، و از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که پدرش را بنا بر **وصیت** خود او، در جامه‌ای که هنگام نماز بر تن می‌کرد به **خاک** سپردند. [۸۶] ابن سعد، مجد، الطبقات الکبیر، ج ۵، ص ۳۳۳. [۸۷] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۲۰.

← وجه تسمیه به باقر

همه مؤلفان در ادیان شیعه و سنی سبب ملقب شدن آن حضرت را به «باقر» دانش فراوان او دانسته‌اند؛ و غالباً این نام‌گذاری را از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دانند که جابر بن عبدالله انصاری از آن حضرت نقل کرده است.

← روایت پیامبر

ابن قتیبه

[۸۸] ابن قتیبه، کتاب عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۱۲، بیروت (بی تا).

به مناسبت نقل دیدار زید بن علی بن حسین با هشام بن عبدالملک و اعتراض او به هشام به سبب تعبیر توهین آمیز وی نسبت به امام باقر علیه‌السلام، از زید نقل می‌کند که لقب باقر را پیامبر صلی‌الله‌وآله‌وسلم بر محمد بن علی نهاد.

سپس زید از جابر بن عبدالله نقل کرده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از عمر طولانی جابر تا نایل شدن به دیدار فرزندشان «باقر» خیر داده و از او خواسته بود که چون آن فرزند را دید سلام پیامبر را به او برساند.

در این روایت از زبان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وجه این نام‌گذاری نقل شده است: **يَبْقَرُ الْعِلْمَ بَقْرًا.**

[۸۹] الذخيرة في علم الکلام، احمد حسینی، قم ۱۴۱۱.

ابن بابویه

[۹۰] ابن بابویه، علل الشرايع، ج ۱، ص ۲۳۲، نجف ۱۳۸۵.

نیز همین روایت جابر را با اندکی تفاوت با سند از جابر بن یزید جعفی آورده که جابر بن یزید این توضیح را افزوده بوده است: **لَا تَه بَقَر الْعِلْمَ، أَى شَقَّةً شَقًّا.**

[۹۱] الذخيرة في علم الکلام، احمد حسینی، قم ۱۴۱۱.

شیخ مفید نیز این روایت را آورده است.

← نظر ابن عماد

ابن عماد

[۹۲] حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۲، ص ۷۲.

آن حضرت را از فقهای مدینه بر شمرده که به سبب دانش فراوان و شناختن ریشه و درون آن، او را باقر خوانده‌اند.

← نظر ابن خلکان

ابن خلکان،

[۹۳] ابن خلکان، شمس الدین، وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴.

صفدی

[۹۴] صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۷۷.

و ذهبی

[۹۵] ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۲.

نیز همین توضیح را آورده‌اند.

← نظر ابن منظور

ابن منظور نیز ذیل ماده «بقر» گفته است که به محمد بن علی بن حسین، رضوان‌الله‌علیهم، از آن‌رو باقر گفته می‌شد که علم را می‌شکافت و ریشه آن را شناخته بود و فروع آن را استنباط می‌کرد و در دانش «تبقّر» می‌نمود.

سپس می‌گوید: «تبقّر» به معنای توسعه در دانش و مال آمده است.

← نظر زبیدی

مرتضی زبیدی نیز ذیل ماده «بقر» روایت جابر را از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در باره آن حضرت نقل کرده است.

← فقه و حدیث حضرت

زمان امام باقر علیه‌السلام، یعنی دهه‌های آخر قرن اول و دهه‌های اول و دوم قرن دوم هجری، زمان ظهور فقهای بزرگ مخصوصاً در مدینه بود. در این دوران، مسلمانان که از فتوحات خارجی و جنگ‌های داخلی تا حدودی فراغت یافته بودند (و فقط خوارج و برخی شورشیان، خراسان و مناطقی دیگر را در ناآرامی نگاه داشته بودند) از اطراف و اکناف سرزمین‌های اسلامی برای فراگرفتن احکام الهی و فقه اسلامی به مدینه، که شهر حضرت رسول

صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اصحاب و تابعان ایشان بود، روی می‌نهادند.

فقها و محدثان بزرگی از جمله سعید بن مسیب (متوفی ۹۴)، عروه بن زبیر (متوفی ۹۴)، خارجه بن زید بن ثابت (متوفی ۹۹)، ربیعۃ الرأی (متوفی ۱۳۶)،

سفیان بن عیینه و محمد بن شهاب زهری (متوفی ۱۲۴) در این شهر جمع بودند.

به خصوص که منع کتابت حدیث در زمان عمر بن عبدالعزیز لغو شده بود.

[۹۶] مرتضی عسکری، معالم المدرستین، ج ۲، ص ۲۴، تهران ۱۴۰۵.

در این دوران شکوفایی فقه و حدیث بود که دانش و معرفت امام باقر علیه‌السلام و نیز فرزند او امام صادق علیه‌السلام، بر همگان آشکار شد و اصول و مبانی کلام و فقه و سایر معارف دینی شیعه، که این دو امام بیش از همه مبنای آن بودند، تدوین و توسط راویان و شاگردان ایشان به عالم پراکنده شد.

بسیاری از مجتهدان و مؤسسان مذاهب فقهی دیگر از این دو امام فیض برده‌اند و به همین جهت، رایج شدن لقب «باقر» برای امام پنجم، که لقبی کاملاً علمی است، بسیار پر معنی است.

← نظر نسایی

نسایی از محدثان بزرگ اهل سنت آن حضرت را از «فقهای بزرگ تابعین» در مدینه شمرده است

[۹۷] ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۳.

و به گفته او، همه حافظان حدیث در استناد و احتجاج به قول آن حضرت اتفاق دارند.

←← نظر ذهبی

ذهبی

[۹۸] ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۲. او را جامع مقام علم و عمل و بزرگی و شایسته مقام خلافت دانسته است.

←← نظر شیخ مفید

شیخ مفید

[۹۹] مجد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۵۷، قم ۱۴۱۳. در باره جایگاه علمی آن حضرت می‌نویسد که بازماندگان صحابه و بزرگان تابعان و رؤسای فقهای مسلمانان از آن حضرت در مسایل دینی روایت کرده‌اند. به نوشته او، امام اخبار پیشینیان و پیامبران را روایت می‌کرد. مردم از او در باب **مغازی و سیرت** و **سنت** رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حدیث می‌آموختند و در **مناسک حج**، که از پیامبر نقل می‌کرد، بر او اعتماد داشتند و از ایشان **تفسیر قرآن** بر می‌نوشتند.

←← نظر عبدالله مکی

از **عبدالله بن عطاء مکی** نقل شده است که دانشمندان را در هیچ مجلسی کوچک‌تر از آن ندیده‌ام که در محضر ابوجعفر دیده‌ام؛ حکم بن عتیبه (از فقهای بزرگ کوفه، متوفی ۱۱۵)

[۱۰۰] ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۸۲۱۳.

را در پیشگاه او به سان **شاگردی** نزد **استاد** دیدم.

[۱۰۱] احمد بن عبدالله ابونعیم، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۲، ص ۱۸۶، بیروت ۱۳۸۷/۱۹۶۷.

[۱۰۲] ابن عساکر، ترجمة الامام زین العابدین علی بن الحسین علیه‌السلام و تلبیه ترجمة ابنه الامام مجدالبقر علیه‌السلام من تاریخ مدینة دمشق، ج ۱، ص ۱۴۲، چاپ مجدباقر محمودی، تهران ۱۴۱۳.

[۱۰۳] مجد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۰۶، قم ۱۴۱۳.

سیب ابن جوزی

[۱۰۴] سبب ابن جوزی، تذکرة الخواص، ج ۱، ص ۲۰۲، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

این مطلب را به عطا نسبت داده که ظاهراً خطا در نقل یا در کتابت است.

سید محسن امین

[۱۰۵] امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۴۶.

نیز این اختلاف را یادآوری کرده است.

راویان امام باقر (علیه‌السلام)

ابونعیم، ذهبی و ابن شهر آشوب شماری از محدثان و فقها را به عنوان راویان امام باقر علیه‌السلام نام برده‌اند، که از آن جمله‌اند: **اوزاعی** (متوفی ۱۵۱)، **أعمش** (متوفی ۱۴۴)، **ابن جریج** (متوفی حدود ۱۵۰)، **عطاء بن ابی رباح** (متوفی ۱۱۴ یا ۱۱۵)، **حجاج بن أرطاة**، **ربیعة الرأی**، **عمرو بن دینار** (متوفی ۱۲۶)، **محمد بن شهاب زهري**، **جابر بن عبدالله انصاری** (متوفی ۷۸)، **ابواسحاق سبیعی** (متوفی ۱۲۷)، **عبدالرحمن بن کیسان الاعرج**، **ابوبکر لیث بن سلیم کوفی** (متوفی ۱۲۸ یا ۱۴۳) و **ابوحنیفة نعمان بن ثابت** (متوفی ۱۵۰).

بنا بر این، عبارت ابن سعد

[۱۰۶] ابن سعد، مجد، الطبقات الکبیر، ج ۵، ص ۳۲۴.

که ضمن اذعان به مقام علمی امام باقر علیه‌السلام (و کَانَ ثِقَّةً کَثِیرَ الْعِلْمِ)، گفته است: راویان آن حضرت کسانی نیستند که مقبولیت داشته باشند (لَیسَ بِرَؤُوسِ عَنَّا مَنْ یُحْتَجُّ بِهٖ)، قابل تأمل و شگفت انگیز است (رجوع کنید به دنباله مقاله).

در **کتاب‌های رجال شیعه** نام‌های راویان امام باقر علیه‌السلام ثبت شده و از جمله **شیخ طوسی**

[۱۰۷] مجد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۲۲، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱.

آن‌ها را بر اساس **حروف تهجی** ذکر کرده که بالغ بر ۴۶۶ تن می‌شود.

البته با تتبع در **اسانید روایان**، ممکن است بر شماری بیش از این دست یافت، هم‌چنان‌که احتمال دارد برخی از این نام‌ها به اصحاب **امام جواد** علیه‌السلام بر می‌گردد.

برخی از راویان آن حضرت، مانند جابر بن یزید جعفی، عبدالله بن عطاء مکی و **ابان بن تغلب** از نظر محدثان اهل سنت نیز محترم بوده‌اند.

یاران خاص امام باقر (علیه‌السلام)

در این میان، یاران و پروردگان خاص **مکتب** امام باقر علیه‌السلام که ناشر و مبین آراء و اقوال آن حضرت بوده‌اند، جایگاه ویژه‌ای دارند. از معروف‌ترین آنان علاوه بر جابر بن یزید و ابان بن تغلب، می‌توان از کسانی چون **ابوحمره ثمالی**، **خمران بن اعین**، **محمد بن مسلم ثقفی**، **زُرارة بن اعین**، **معروف بن خزیمه**، **برید العجلی**، **ابوبصیر اسدی** و **فضل بن یسار** نیز نام برد.

به ابوحمره ثمالی کتاب‌هایی در حدیث و تفسیر نسبت داده شده و گروهی از بزرگان اهل سنت از او اخذ حدیث کرده‌اند.

جابر بن یزید که به گفته خود فقط ۷۰۰،۰۰۰ حدیث از امام باقر علیه‌السلام فرا گرفته بود

[۱۰۸] مجدباقر بن مجدثقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۴۰، بیروت ۱۴۰۳.

از آن حضرت غالباً با عنوان «وصی الاوصیاء و وارث علم الانبیاء» یاد می‌کرد.

[۱۰۹] علی بن عیسی ارزلی، ج ۲، ص ۲۳۷، به نقل از مفید، کشف الغمّه فی معرفة الائمة، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

هم‌چنین از **محمد بن مسلم** روایت شده که از امام باقر علیه‌السلام در باره ۳۰،۰۰۰ مطلب سؤال کردم.

[۱۱۰] طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۶۳.

[۱۱۱] طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۹۱.

[۱۱۲] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۲۸.

در میان **عالمان شیعه** شش نفر اخیر از داناترین دست‌پروردگان امام باقر علیه‌السلام و فرزندش، حضرت صادق علیه‌السلام شناخته شده‌اند و **زُرارة** برترین آن‌هاست.

[۱۱۳] طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۰۷.

از آن‌ها و دوازده تن دیگر اصطلاحاً به عنوان **اصحاب اجماع** یاد می‌شود.

احادیث امام باقر (علیه‌السلام)

← کتب اهل سنت

مطالب منقول از امام باقر علیه‌السلام در **صحاح و سنن اهل سنت** اندک است [۱۱۴] ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۲.
مثلاً بخاری فقط سه حدیث در باب غسل را از آن حضرت نقل کرده که از جابر بن عبدالله روایت کرده بوده‌اند. [۱۱۵] مجد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۶۸، استانبول ۱۹۸۱.
[۱۱۶] مجد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۶۹، استانبول ۱۹۸۱.

اما در متون حدیثی و فقهی شیعه، اعم از امامیه و اسماعیلیه، [۱۱۷] دعائم الاسلام، چاپ آصف بن علی اصغر فیضی، (قاهره) ۱۹۶۳-۱۹۶۵.
بالاترین رقم حدیث به این امام و فرزندش اختصاص دارد.

← علل کم بودن احادیث

علت اصلی کم بودن احادیث امام باقر علیه‌السلام، و به طور کلی امامان شیعه در کتاب‌های اهل سنت، چند چیز است. از جمله بیشتر راویان این احادیث، شیعیان، و به تعبیر اهل سنت رافضیان، بوده‌اند؛ و حال آنکه به نقل روایت از قول رافضه، اعتراض و آن را منع کرده‌اند. [۱۱۸] ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۰-۱۲، بیروت ۱۳۹۰/۱۹۷۱.

دیگر این که امام باقر علیه‌السلام بسیاری از مطالب دینی و احکام فقهی را بی آنکه به صورت حدیث به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت دهد، بیان می‌کرده است، و این از نظر شیعیان کاملاً پذیرفته است.

زیرا امام باقر علیه‌السلام را امام معصوم و جانشین پیامبر می‌دانند که دانش او به واسطه پدرانیش به پیامبر می‌رسیده است. حتی بنا بر یک روایت

[۱۱۹] مجد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۶۷، قم ۱۴۱۳.

[۱۲۰] مجدباقر بن مجدتی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۸۸، بیروت ۱۴۰۳.

آن حضرت گفته است که من همه آنچه را که می‌گویم به واسطه پدرانم از حضرت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت می‌کنم که ایشان آن را از فرشته وحی و او آن را از خدا دریافت کرده است.

اما نویسندگان کتب حدیث اهل سنت فقط منقولات از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صحابه را نقل می‌کرده‌اند و بالتبع منقولاتشان از امامان شیعه بسیار اندک بوده است.

← نوع روایات نقل شده

گفتنی است که تعداد زیادی روایت نیز از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که ایشان به واسطه پدرانیش از پیامبر نقل کرده است. روایات منقول از امام باقر علیه‌السلام در کتب اهل سنت غالباً از این دست است.

مثلاً احمد بن حنبل در، قسمت راجع به علی بن ابی‌طالب،

[۱۲۱] ابن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۷۵-۱۶۰، استانبول ۱۹۸۲/۱۴۰۲.

هفت حدیث نقل کرده که امام پنج تا آنها را از پدران خود و دو تا را از محمد بن حنفیه روایت می‌کند.

[۱۲۲] ابن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۷۷-۸۰، استانبول ۱۹۸۲/۱۴۰۲.

[۱۲۳] ابن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۹۰، استانبول ۱۹۸۲/۱۴۰۲.

[۱۲۴] ابن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۱۰۱، استانبول ۱۹۸۲/۱۴۰۲.

[۱۲۵] ابن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۱۰۳، استانبول ۱۹۸۲/۱۴۰۲.

همچنین حاکم نیشابوری از ایشان ده حدیث نقل کرده که هفت مورد آن را به واسطه پدران خود روایت کرده است.

[۱۲۶] حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۲.

[۱۲۷] حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۲۸.

[۱۲۸] حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۵۸۸.

[۱۲۹] حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۱۴۴.

[۱۳۰] حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۳.

[۱۳۱] حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۳.

[۱۳۲] حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۵۱۶.

[۱۳۳] حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۵۶۸.

[۱۳۴] حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲.

[۱۳۵] حاکم نیشابوری، مجد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۳۴۵.

← نقل امام از افراد

البته در برخی از کتاب‌های اهل سنت نام کسانی چون ابن عباس، ابوسعید خدری، سعید بن مسیب و جابر بن عبدالله انصاری (از جمله به این منبع رجوع کنید

[۱۳۶] احمد بن عبدالله ابونعیم، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۲، ص ۱۸۸، بیروت ۱۹۶۷/۱۳۸۷.

) به عنوان مشایخ حدیثی امام باقر علیه‌السلام ذکر شده و نشان می‌دهد که امام از آنها نقل حدیث کرده است، اما محققان امامیه بر اساس این اعتقاد که امامان شیعه علوم خود را فقط از طریق منابع وحیانی کسب می‌کرده‌اند، توضیح داده‌اند که نقل امام از این افراد، بر فرض صحت، بنا بر مصالحی بوده است.

[۱۳۷] امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۵۱.

بنا بر بررسی ذهبی

[۱۳۸] مجد بن احمد ذهبی، الکشاف فی معرفة من له رواية فی الکتب السننه، ج ۳، ص ۷۹-۸۰، چاپ عزت علی عید عطیه و موسی مجد علی موشی، قاهره ۱۳۹۳/۱۹۷۲.

در صحاح سنه، امام باقر علیه‌السلام به جز پدرش امام سجّاد علیه‌السلام فقط از عبدالله بن عمر و جابر انصاری روایت کرده است.

با این‌همه به کم نقل شدن احادیث روایت شده از امام باقر علیه‌السلام و دیگر امامان اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در کتب صحاح و سنن اهل سنت، انتقاد شده است.

← موضوعات احادیث امام

آنچه از امام باقر علیه‌السلام روایت شده در همه زمینه‌های علوم اسلامی است، اعم از تفسیر و علوم قرآنی، فقه، کلام، اخلاق، تاریخ، سیره و مسائل نظام آفرینش که گاهی برخی از شاگردان آن حضرت آنها را به صورت کتاب مستقلی تدوین کرده‌اند.

← تفسیر منسوب به امام

ابن ندیم

[۱۳۹] ابن ندیم، کتاب الفهرست، ج ۱، ص ۲۶، چاپ رضا تجدد، تهران ۱۳۵۰ ش. کتابی را در تفسیر به امام باقر علیه‌السلام نسبت می‌دهد که ابوالجارود از او و ابوبصیر اسدی از ابوالجارود روایت کرده است. ابن تفسیر در کتب رجال و حدیث پیش‌تر به تفسیر ابوالجارود مشهور است، ولی چنانچه نجاشی [۱۴۰] احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنّفی الشیعة المشتھر برجال النجاشی، ج ۱، ص ۱۷۰، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷. نیز تصریح کرده، از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است.

آقابزرگ طهرانی

[۱۴۱] محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۲۵۱، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۳۸۲/۱۴۰۲. [۱۴۲] محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۳، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۳۸۲/۱۴۰۲. احتمال داده که این تفسیر، املاء امام بر ابوالجارود بوده است. اعتماد بزرگانی از محدثان و دانشمندان نیز شاهدی بر صحت منقولات آن است. یکی از شاگردان علی بن ابراهیم قمی روایات این تفسیر را در تفسیر علی بن ابراهیم درج کرده و البته، به استنباط آقابزرگ طهرانی [۱۴۳] محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۶-۲۰۳، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۳۸۲/۱۴۰۲. این شخص، که انگیزه اصلی او افزودن منقولات از امام باقر علیه‌السلام به تفسیر علی بن ابراهیم بوده است، به گونه‌ای عمل می‌کرده که بین روایات دو تفسیر تفکیک شود و خوانندگان به خطا نیفتند.

اهداف حلقه‌های درسی امام باقر (علیه‌السلام)

پیدایش مذاهب کلامی چون مُرحنه و معتزله و خوارج، و آشنایی مسلمانان با آراء ادیان دیگر، و حضور پراکنده پیروان سایر ادیان در میان مسلمانان، و ظهور اختلافات فقهی بر اثر عدم دسترسی فقهای متأخر به سنت نبوی به سبب ممنوعیت طولانی روایت و کتابت حدیث [۱۴۴] مرتضی عسکری، معالم المدرستین، ج ۲، ص ۴۴۵، تهران ۱۴۰۵. و انحرافات عملی و فکری سران سرزمین اسلامی از تعالیم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و توجیه حکومت امویان، از طریق ارائه ناقص و تحریف شده تعالیم اسلام، از مهم‌ترین وقایع دوران امام باقر علیه‌السلام بود. گذشته از این، آن دسته از صحابه و تابعان که به پیروی از امام علی علیه‌السلام و جانشینان او معتقد بودند، یا به دست حاکمان اموی کشته شده یا بدون امکان انتقال دانسته‌های خود به نسل بعد درگذشته بودند. این خلا از یک سو راه هر نوع اقدام را برای امام باقر علیه‌السلام دشوار ساخته و از سوی دیگر راه را برای جاعلان حدیث و غالبان هموار کرده بود. مراقبت‌های پنهانی مأموران حکومت اموی از آل علی و امام باقر علیهم‌السلام، به فرد شاخص این خاندان، تهدیدی جدی برای تلاش‌های آن حضرت به شمار می‌رفت. در این شرایط، امام به عنوان عالمی که دانش خود را از طریق پدرانش از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دریافته، حلقه‌های درسی بزرگی را در مدینه تشکیل داد. او در این کار چهار هدف عمده را پی گرفت:

← عرضه دیدگاه‌های اسلامی

عرضه دیدگاه‌های اسلامی در همه زمینه‌ها، به خصوص در باره پرسش‌هایی که دانشمندان سایر ادیان مطرح می‌کردند. این مطالب هم سبب استواری ایمان پیروان دین می‌شد و هم غیرمسلمانان را به برتری اسلام معترف می‌کرد.

بنا بر نقل مفید

[۱۴۵] مجد بن مجد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۶۳، قم ۱۴۱۳.

امام باقر علیه‌السلام با هر یک از پیروان عقاید گوناگون (اهل الراء) که بر او وارد می‌شد، مناظره می‌کرد و مردم مطالب بسیاری را در علم کلام از او فرا گرفتند. اشاره به «اهل آراء» در کلام مفید حایز اهمیت است. در روزگار امام باقر علیه‌السلام گرایش‌ها و مذاهب مختلف کلامی پدید آمد و نیز پیروان ادیان دیگر در سرزمین‌های اسلامی زندگی می‌کردند و میان ایشان و مسلمانان برخوردهای فکری روی می‌داد. بدین طریق، پرسش‌ها و بحث‌های کلامی مطرح می‌شد و حضرت باقر علیه‌السلام، گذشته از مقام امامت و زعامت شیعیان، به عنوان یکی از دانشمندان بزرگ زمان خود، که همه دانشمندان اسلامی به برتری علمی او معترف بودند، به پرسش‌ها پاسخ می‌گفت و در بحث‌ها شرکت می‌جست. به همین دلیل، موضوع بسیاری از احتجاجات آن حضرت و نیز احادیثی که از ایشان روایت شده، مسائل کلامی است و آنچه امام در این باره فرموده، هم اساس اعتقادات شیعه را تشکیل می‌دهد و هم در دیدگاه‌های کلامی مسلمانان اثر جدی داشته است.

← روشن‌گری درباره انحرافات

روشن‌گری نسبت به اشتباهات و انحرافات فقهی و کلامی و تفسیری و تاریخی و اخلاقی که یا وابستگان حکومت اموی آن را پدید آورده بودند و یا از عدم اتصال به سنت نبوی ناشی می‌شد. بیشتر مطالب امام علیه‌السلام به ابوابی از علوم اسلامی اختصاص یافته که در جامعه اسلامی به صورت نادرست عرضه و به کار بسته می‌شده است. بر همین اساس، گفته شده که شمار زیادی از روایات منقول از امام باقر علیه‌السلام، و نیز سایر امامان شیعه، در حکم تعلیقه یا نقد فقه و کلام و سایر علوم اسلامی متداول در روزگار آنان بوده است، به طوری که در موارد زیادی فهم درست بیانات این امامان بدون آگاهی از نظریات سایر مذاهب اسلامی تا حدی دشوار است.

[۱۴۶] مجد فاضل لنکرانی، «مصاحبه با استاد آیت الله حاج شیخ مجد فاضل»، ج ۱، ص ۱۴، نور علم، دوره ۲، ش ۶ (فروردین ۱۳۶۸).

← گشایش ابواب علمی غیرمطرح

گشایش ابوابی از معرفت دینی که حاکمان آن روز جامعه اسلامی از طرح آنها جلوگیری کرده بودند و آگاهی مردم از آنها سلطه نظام حاکم سیاسی را متزلزل می‌کرد.

[۱۴۷] مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۱۵۴۱۶، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.

در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که امویان مردم را در آموزش مباحث ایمان آزاد گذاشتند، اما فراگیری آنچه را به شرک بر می‌گشت منع کردند، تا اگر مردم را به کارهای شرک آمیز وادارند (ناروایی) آن را در نیابند. به نظر می‌رسد که وجود همین تعالیم، علاوه بر بیانات صریحی که رویارویی با حکام و وابستگان آنها را توصیه می‌کرده، یکی از مهم‌ترین عوامل مقاومت روانی پیروان این مذهب در برابر جریانات سیاسی حاکم بر جوامع اسلامی بوده باشد.

← پرورش دانشمندان اسلامی

گزینش و پرورش گروهی از دانشمندان اسلامی بر مبنای دیدگاه‌های امام باقر علیه‌السلام، و گسیل کردن آنان به شهرهای بزرگ اسلامی به منظور ارائه درست نظریات آن حضرت، و در نتیجه خنثی کردن تبلیغات دراز مدت امویان در معرفی **اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم**، و نیز نفی گرایش‌های غلو آمیز برخی از پیروان اهل بیت، برخورد صریح و قاطع با غالیان و اظهار بی‌زاری از سران آنان، از جمله **مغیره بن سعید** و **بیان بن سمعان** (هر دو مقتول در ۱۱۹) جزو اقدامات مهم ایشان به شمار می‌رود.
[۱۴۸] طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۳.

مناظرات امام باقر (علیه‌السلام)

آن حضرت برای دست‌یابی به هدف‌ها و نیز اجرای مقاصد دیگری که بر خود فرض می‌دید، گذشته از برپایی حلقه‌های متعدد درس عمومی و خصوصی، به مناظره با دانشمندان برجسته شهرهای اسلامی و پیشوایان فکری فِرق مهم آن روزگار و عالمان سایر ادیان و برخی مدعیان راهبری معنوی مردم عنایت خاصی داشت.
همچنین از مراسم حجّ برای گفتگو با مسلمانان مناطق مختلف اسلامی بهره فراوان می‌برد.

← مناظرات گردآوری شده

مجلسی ،
[۱۴۹] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۳۳۲۸۶.
[۱۵۰] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۴۷۳۵۹.
احمد بن علی طبرسی
[۱۵۱] احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۳۱-۲۳۲، چاپ مجدباقر موسوی خراسان، بیروت ۱۳۰۱/۱۹۸۱.
و امین
[۱۵۲] امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۴۷.
شماری از مناظرات آن حضرت را گرد آورده‌اند.

← مناظرات مشهور

در میان **مناظرات امام باقر علیه‌السلام** از مناظره با پیشوای **مسیحیان شام**، **قتاده بن دعامه** (فقیه بزرگ بصره)، بزرگان **کیسانیه**، **عمر بن دَرّ قاضی**، **نافع مولی ابن عمر** و مهم‌ترین راوک سخنان وی،
[۱۵۳] مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۲۰، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.
[۱۵۴] ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۹۵.
طاوس الیمانی و **محمد بن مُنکدر** از زهاد و تارکین دنیا، ابوحنیفه یکی از ائمه اهل سنت و عبدالله بن نافع ازرق از مدافعان تفکر خوارج می‌توان نام برد.

← بررسی مناظره با نافع

اما مناظره‌ای که مفید
[۱۵۵] مفید، مجد بن مجد، الارشاد، ج ۲، ص ۱۶۴۱۶۵.
به آن حضرت نسبت داده، قابل تأمل است.
این مناظره ظاهراً با **نافع بن ازرق**، رهبر فرقه **ازارقه** از خوارج، صورت گرفته و درباره مسئله **حکمیت** و **جنگ صفین** است و نافع در برابر اعتراض امام به روش خوارج در برخورد با امام علی علیه‌السلام و **مباح دانستن خون** آن حضرت، پاسخی نمی‌یابد.
مشکل این روایت که مفید آن را بدون ذکر سند نقل کرده آن است که نافع در سال ۶۵ در واقعه دولا ب (در نزدیکی اهواز) به قتل رسیده است.
[۱۵۶] ابن اثیر، ابوالحسن، الكامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۹۴.
امام باقر علیه‌السلام به هنگام گفتگو با او باید کمتر از هشت سال داشته باشد و این بعید می‌نماید، زیرا اگر چنین بود، قطعاً باید در شمار **معجزات** امام نیز از آن یاد می‌شد و حال آن‌که منابع مختلف در این باره سخنی نگفته‌اند.

از سوی دیگر، **کلینی**
[۱۵۷] کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۱۲۰.
با ذکر سند، مناظره‌ای را بین امام و نافع مولی ابن عمر نقل می‌کند که بخش انتهایی آن درباره خوارج و مسئله حکمیت است.
این نافع که ایرانی تبار است و از فقهای بزرگ مدینه به شمار می‌رود، بنا بر قول اصحّ در ۱۱۷ درگذشته
[۱۵۸] ذهبی، مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۱۰۱.
و به گفته مجلسی
[۱۵۹] کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۱۲۰.
به خوارج متمایل بوده و با امام علی علیه‌السلام دشمنی می‌نموده است.
علی بن ابراهیم قمی که همین مناظره را با همین سند در تفسیر خود (بنا بر نقل مجلسی
[۱۶۰] مجلسی، مجدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۶۱.
) نقل کرده قسمت اخیر آن را در باره خوارج، نیاورده است و از نافع مذکور به صورت نافع بن ازرق یاد می‌کند.
همچنین کلینی،
[۱۶۱] کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۸۸.
در حدیثی دیگر با سند مشابه از شخصی به نام نافع بن ازرق نام برده است که از امام باقر علیه‌السلام در بحث **خداشناسی** سؤال کرده است.
این شخص نزد محققان **علم رجال** شناخته نیست، ولی **مامقانی** و **شوشتری** احتمال داده‌اند که او همان نافع مولی ابن عمر باشد،
[۱۶۲] تستری، مجدتی، قاموس الرجال، ج ۹، ص ۱۸۳-۱۸۴.
چنان‌که از تعبیر علی بن ابراهیم نیز چنین بر می‌آید، در هر صورت، مناظره آن حضرت یا نافع مولی ابن عمر، به اشاره **هشام بن عبدالملک**، انجام گرفته است که هیچ نسبتی با رهبر ازرقه ندارد.
و نیز مناظره امام باقر علیه‌السلام با عبدالله بن نافع به سند دیگری نقل شده و اتحاد آن با این مناظره بسیار بعید است، به خصوص که مناظره نخست در **مسجد الحرام** و مناظره دوم در **مدینه** روی داده است.

مواضع و اقدامات سیاسی امام باقر (علیه‌السلام)

← جای‌گاه اجتماعی امام

امام باقر علیه‌السلام که بارزترین شخصیت اهل بیت و از نظر شیعیان امام پنجم بود، طبعاً از نظر سیاسی بسیاری از مردم و مخالفان حکومت اموی به او روی آوردند و به همین جهت از سوی حکومت به شدت مراقبت می‌شد.

← تقیه امام

البته به سبب وضع خاصی که بعد از **شهادت امام حسین** علیه‌السلام پدید آمد، امام باقر علیه‌السلام بیش‌تر روش **تقیّه** را پیش می‌گرفت و بیش‌تر به تبیین مبانی نظری خود در قالب درس می‌پرداخت. ازین‌رو و از آن‌جا که همه فعالیت‌ها و جزئیات زندگی آن حضرت در منابع تاریخی، ثبت نشده است، نمی‌توان اقدامات سیاسی چندانی از ایشان سراغ گرفت.

← مواجهه با هشام

با وجود این، چند خبر موجود نشان می‌دهد که امام باقر علیه‌السلام در مسایل سیاسی بر اساس ملاک‌ها و مبانی خود موضع‌گیری داشته و در برخورد با مسایل اجتماعی و سیاسی، به ارشاد پیروان و گاهی سران حکومت می‌پرداخته است.

مثلاً در منابع [۱۶۳] کلینی، **مجد بن یعقوب، الکافی**، ج ۸، ص ۱۲۰. [۱۶۴] ذهبی، **مجد بن احمد، سیر اعلام النبلاء**، ج ۴، ص ۴۰۵. [۱۶۵] مفید، **مجد بن مجد، الارشاد**، ج ۲، ص ۱۶۳۱۶۴. آمده است که هشام بن عبدالملک در موسم **حج** در مسجد الحرام امام باقر علیه‌السلام را دید که در حال **طواف** است و مردم بر گردش حلقه زده از او سؤال می‌کنند.

این توجه و علاقه مردم نظر او را جلب کرد، از اطرافیان نام وی را پرسید و چون گفتند که او **محمد بن علی** است، شگفت زده، گفت: «همان که مردم **عراق** فریفته‌اند» یا «امام مردم عراق!».

در روایتی دیگر [۱۶۶] کلینی، **مجد بن یعقوب، الکافی**، ج ۱، ص ۴۷۱. آمده است که هشام (گویا بعد از همین موسم حج) امام باقر علیه‌السلام را همراه با فرزندش حضرت **صادق** علیه‌السلام به شام فرا خواند.

امام هنگام ورود به مجلس او بر همه اهل مجلس یک‌جا **سلام** کرد، بر خلاف رسم متعارف، خلیفه اموی را **امیرالمؤمنین** نخواند و بدون کسب اجازه نشست. هشام خشمگینانه زبان به **لامت** گشود که چرا شما مردم را به امامت خود فرا می‌خوانید.

حاضران در مجلس نیز بنا بر فرار قبلی همین شیوه را به کار گرفتند. آن‌گاه امام صریحاً از جای‌گاه اهل بیت پیامبر در **دین** و این‌که آنان عهده دار هدایت مردمانند، سخن گفت، هم‌چنین به گذرا بودن **حکومت امویان** اشاره کرد. هشام ابتدا او را به **زندادان** افکند، ولی بعد، ناگزیر به آزاد کردن و برگرداندن آنان به مدینه شد.

از این دو گزارش بر می‌آید که حرکت امام باقر علیه‌السلام در دعوت به سوی **امامت اهل بیت** و معرفی مقام و نقش آنان در دین و نیز نفی حقانیت خلافت اموی - که هشام از آن به ایجاد اختلاف در میان امت تعبیر کرده است - حرکتی گسترده و غیر قابل انکار بوده و لاقلاً در بخشی از سرزمین اسلامی تأثیر جدی گذاشته بوده است.

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که مطرح کردن **مرجعیت علمی اهل بیت** پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - که امام باقر علیه‌السلام شخصیت برجسته ایشان در آن دوره بود - در حقیقت، به معنای تبیین جای‌گاه سیاسی آنان نیز بوده است و خلیفه اموی، یا امام باقر علیه‌السلام و یا دیگران، این دو را از یکدیگر جدا نمی‌دانسته‌اند.

← گزارش ابن ابی الحدید

در گزارش دیگری که ابن ابی الحدید [۱۶۷] معتزلی، **ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه**، ج ۱۱، ص ۴۳۴۴. نقل کرده است، امام به افشاگری کارهای امویان از ابتدا تا روزگار خود پرداخته و شیوه‌های حکام اموی را در بازداشتن مردم از گرایش به اهل بیت، ساختن **احادیث دروغین**، آزار رساندن به **شیعیان**، تخریب شخصیت امامان اهل بیت و به شهادت رساندن آن‌ها آشکار کرده است.

امام در این گفتار از تاریخ سراسر رنج و ناملایم بعد از **رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم** سخن گفته، به دوره امامت **حضرت علی** علیه‌السلام و ضدیت‌های **معاویه** با آن حضرت، دوران **امام حسن** علیه‌السلام و خیانت مردم به او که به **صلح** با معاویه منجر شد، دعوت مردم **کوفه** از امام حسین علیه‌السلام و پیمان شکنی آن‌ها اشاره، و از روایان دروغ‌پردازی که با دریافت مال به سود امویان **حدیث‌سازی** کردند، و نیز آزارهای گوناگونی که بر دست حکام اموی بر پیروانشان رفته، شکوه کرده است.

← گزارشات دیگر

انتقاد صریح امام از خلیفه اموی در برخی موارد و در حضور طرف‌داران او (از جمله به این منبع رجوع کنید [۱۶۸] زمخشری، **محمود بن عمر، ربیع الأبرار و نصوص الأخبار**، ج ۲، ص ۵۱۴.

)، نهی برخی شیعیان از قبول مناصب رسمی از آن‌رو که ممکن است در اقدامات نابه‌جای حاکمان ظالم شریک شوند [۱۶۹] طوسی، **مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال**، ج ۱، ص ۲۰۴.

و تکریم او از برادرش **زید** [۱۷۰] طوسی، **مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال**، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۲.

نیز از جمله گزارش‌هایی است که در دست است.

← پرهیز از اقدام سیاسی عمومی

با این‌همه آن حضرت از هر گونه اقدام سیاسی عمومی پرهیز می‌کرد و به پیروان نزدیک خود می‌گفت که اعتماد کافی به مردم عراق ندارد. هنگامی که **بُزید عجلّی** از بسیاری شیعیان در عراق و آمادگی آن‌ها برای فرمان‌برداری از امام سخن گفت، آن حضرت ضمن تأیید کثرت شیعیان عدم **اعتماد** خود را به آن‌ها بیان و تصریح کرد که هنوز شرط لازم برای **فداکاری** در راه حق را احراز نکرده‌اند.

[۱۷۱] **جرعاملی، مجد بن حسن، وسائل الشیعة**، ج ۲، ص ۴۲۵.

← راهنمایی حاکمان اموی

به علاوه، هر جا که مصلحت امت ایجاب می‌کرد از راهنمایی حاکمان اموی نیز دریغ نداشت؛ توصیه او به **عبدالملک مروان** برای **ضرب سکه** به جای استفاده از سکه‌های رومی، در پاسخ به تهدید امپراتور روم، در برخی منابع نقل شده است.

نکته جالب توجه در این ماجرا آن است که عبدالملک نه از روی رغبت، از روی ناچاری حضرت باقر علیه‌السلام را با احترام به شام آورد و آن حضرت نیز با تأکید بر حقانیت اسلام او را راهنمایی کرد.

[۱۷۲] **بیهقی، ابراهیم بن مجد، المحاسن و المساوی**، ج ۲، ص ۲۳۶-۲۳۲.

[۱۷۳] **دمیری، مجد بن موسی، حیاة الحیوان الکبری**، ج ۱، ص ۹۰-۹۲.

امامت امام باقر(علیه‌السلام) در میان شیعیان

از منابع راجع به فرق اسلام و فرق شیعی مانند کتاب‌های **علی بن اسماعیل اشعری** ،

[۱۷۴] اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۸۸-۹۷.

سعد بن عبدالله اشعری

[۱۷۵] اشعری، سعد بن عبدالله، کتاب المقالات و الفرق، ج ۱، ص ۷۴-۷۶.

و نوبختی

[۱۷۶] نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۹۱-۹۴.

و نیز متون حدیث و آثار کلامی امامیه بر می‌آید که در میان شیعیان نسبت به امامت حضرت باقر علیه‌السلام اختلاف اساسی وجود نداشته است و فقط گروهی اندک بعدها از امامت او برگشته و به بتریه پیوسته بودند.

[۱۷۷] طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۰۵.

این امر اساساً از دیدگاه شیعه به مسئله امامت ناشی می‌شود که آن را همانند نبوت منصبی الهی می‌دانند و در اثبات آن به نصّ جلی، تصریح بر عصمت و صدور معجزه و کرامت استناد می‌کنند.

بنا بر این، اکثریت مسلمانان آن روز که برای اثبات جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و زعامت مسلمانان به ملاک‌هایی دیگر چون **شورا**، انتخاب **اهل حلّ و عقد** و **اجماع** مردم مدینه معتقد بودند، هیچ‌گاه امامت امام باقر علیه‌السلام را مگر در مقام بیان شایستگی‌های آن حضرت، مطرح نمی‌کرده‌اند.

← مخالفان امامت حضرت از شیعیان

← کیسانیه

در میان شیعیان نیز بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام گروهی به نام **کیسانیه محمد بن حنفیه** را امام خواندند و سپس مدّعی زنده بودن و غیبت او شدند...

[۱۷۸] حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۴۷-۶۰، ترجمه مجدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.

[۱۷۹] علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۹۰-۹۶، چاپ مجد محی‌الدین عبدالحمید، (بی جا) ۱۹۸۵/۱۴۰۵.

[۱۸۰] سعد بن عبدالله اشعری، کتاب المقالات و الفرق، ج ۱، ص ۲۵-۴۲، چاپ مجدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.

← سر حویبه

سر حویبه نیز گروهی دیگر بودند که امامت را در فرزندان امام حسن یا امام حسین علیهما‌السلام بدون تعیین و معرفی، مستمر دانستند. این‌ها چندان ناپیدند و در **قیام زید** به او پیوستند.

[۱۸۱] حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۸۸-۸۵، ترجمه مجدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.

[۱۸۲] سعد بن عبدالله اشعری، کتاب المقالات و الفرق، ج ۱، ص ۷۱-۷۲، چاپ مجدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.

← زبیده

در این میان بیشترین افراد شیعه معتقد به امامت حضرت علی بن حسین علیه‌السلام شدند و بعد از وفات او به فرزندش امام باقر علیه‌السلام گرویدند. اما **زبیده** که خود را پیرو زید بن علی بن حسین می‌دانند، گذشته از این‌که در دو دوره متأخر بر زمان امام باقر علیه‌السلام و زید شکل گرفته‌اند (زید هرگز داعیه امامت نداشته است

[۱۸۳] محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۷۲، قم ۱۴۱۳.

[۱۸۴] مجدّدقی تستری، قاموس الرجال، ج ۴، ص ۲۵۹-۲۷۶، قم ۱۴۱۰.

(اساساً با دیدگاه‌های شیعه توافق ندارند.

آن‌ها به نصّ بر امامت و تصریح بر عصمت معتقد نیستند و زید را از آن‌رو که « **قیام به سیف** » کرد، امام می‌دانند.

به این ترتیب، با ملاک‌های شیعی برای امامت، فرد دیگری جز ابوجعفر محمد بن علی بن حسین به جانشینی امام چهارم معرفی نشده و هیچ‌یک از برادران او ادّعای امامت نداشته است.

این اختلاف نسبت به برخی از امامان پیش آمده است.

← ولد الحسن

البته از برخی احادیث می‌توان دریافت که شماری از فرزندان **امام مجتبی** علیه‌السلام (**وُلد الحسن**) مدّعی امامت و سرپرستی اهل بیت بوده و از قبول امامت حضرت باقر علیه‌السلام با آن‌که به مقام او اقرار داشته‌اند، تن می‌زده‌اند.

[۱۸۵] مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۰۵۳-۳۰۶، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.

[۱۸۶] مجدباقر بن مجدّدقی مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۳، ص ۳۲۴، تهران ۱۳۶۳ ش.

← احادیث اثبات امامت حضرت

برای اثبات امامت حضرت باقر علیه‌السلام، به چندین **حدیث معتبر** از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امام‌های پیشین، خصوصاً امام سجاد علیه‌السلام، استناد شده و حتی برخی از متکلمان آن‌ها را **متواتر** خوانده‌اند.

[۱۸۷] مجد بن حسن طوسی، تلخیص الشافعی، ج ۲، ص ۱۹۴، چاپ حسین بحر العلوم، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.

در این احادیث هم به عصمت آن حضرت و هم به امامت او تصریح شده است.

[۱۸۸] مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۰۵۳-۳۰۶، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.

[۱۸۹] علی بن یونس بیاضی، الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۲، چاپ مجدباقر بهبودی، تهران ۱۳۸۴.

[۱۹۰] مجدباقر بن مجدّدقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۹۲۳۳، بیروت ۱۴۰۲.

[۱۹۱] مجد بن حسن حر عاملی، اثبات الهداة بالفصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۲۶۱-۲۶۵، چاپ هاشم رسولی، ج ۵، با شرح و ترجمه فارسی احمد جنتی، تهران ۱۳۵۷ ش.

برخی

[۱۹۲] علی بن حسین علم الهدی، الذخیره فی علم الکلام، ج ۱، ص ۵۰۲، احمد حسینی، قم ۱۴۱۱.

[۱۹۳] مجد بن حسن طوسی، تلخیص الشافعی، ج ۲، ص ۱۹۳، چاپ حسین بحر العلوم، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.

با توجه به این احادیث، ضمن یادآوری دیدگاه زبیده در باره امامت و تفاوت آن با نظرگاه شیعی، امامت زید بن علی را که نصّی بر عصمت او وجود ندارد، نفی کرده‌اند.

← دلایل کلامی امامت حضرت

گذشته از نصّ بر عصمت و امامت، در کتاب‌های کلامی به دانش فراوان امام باقر علیه‌السلام - که هرگز مورد رد و انکار نشد - استناد شده و بروز معجزات و کرامات شاهدهی دیگر بر این امر خوانده شده است.

[۱۹۴] مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۹۴۷۲، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.

[۱۹۵] طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۵۶-۳۶۰.

[۱۹۶] طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۴۸.

[۱۹۷] علی بن یونس بیاضی، الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۸۵، چاپ مجدباقر بهبودی، تهران ۱۳۸۴.

[۱۹۸] مجدباقر بن مجدتی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۳۳۲۸۶، بیروت ۱۴۰۲.

[۱۹۹] مجدباقر بن مجدتی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۰۶۳۲۰، بیروت ۱۴۰۲.

[۲۰۰] مجد بن حسن حر عاملی، اثبات الهداة بالفصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۲۶۹-۲۳۲، چاپ هاشم رسولی، ج ۵، با شرح و ترجمه فارسی احمد جنتی، تهران ۱۳۵۷ ش.

آنچه اربلی

[۲۰۱] علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّه فی معرفة الاثمة، ج ۲، ص ۲۵۰-۲۵۱، بیروت ۱۳۸۱/۱۴۰۱.

به نقل از حمیرزی از ابوبصیر در شمار معجزات امام باقر علیه‌السلام روایت کرده و مجلسی نیز

[۲۰۲] مجدباقر بن مجدتی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۶۹، بیروت ۱۴۰۲.

به پیروی از او همین کار را انجام داده، متضمّن چند اشتباه تاریخی است و به ظنّ قوی، راجع به امام صادق علیه‌السلام می‌شود.

فرق شیعه بعد از امام باقر (علیه‌السلام)

بعد از وفات امام باقر علیه‌السلام جز اکثریت پیروان او که امامت حضرت صادق علیه‌السلام را پذیرفتند.

← پیروان نفس زکیه

گروهی به امامت محمد بن عبدالله بن حسن معروف به **نفس زکیه** (مقتول در ۱۴۵) معتقد شدند.

اینان **مرگ** یا **قتل** او را انکار و ادّعا می‌کردند که وی از دیده‌ها پنهان شده و همان **مهدی** است که خروج خواهد کرد.

مُعبّر بن سعید از مبلغان این نظر بود و حتّی برخی او را امام بعد از حضرت باقر علیه‌السلام می‌دانستند که پس از او امامی نخواهد آمد تا محمد بن عبدالله بن الحسن خروج کند.

← پیروان ابومنصور عجلی

گروهی نیز به **ابومنصور عجلی** پیوستند و او را جانشین امام باقر علیه‌السلام خواندند.

[۲۰۳] علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۷۵-۶۸، چاپ محی الدین عبدالحمید، (بی جا) ۱۳۸۵/۱۴۰۵.

[۲۰۴] علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۹۶-۹۷، چاپ محی الدین عبدالحمید، (بی جا) ۱۳۸۵/۱۴۰۵.

[۲۰۵] حسن بن موسی نویختی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۹۴-۹۶، ترجمه مجدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.

[۲۰۶] سعد بن عبدالله اشعری، کتاب المقالات والفرق، ج ۱، ص ۷۶-۷۷، چاپ مجدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.

← باقریه

برخی از نویسندگان متأخر، از جمله **بغدادی**

[۲۰۷] عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، ج ۱، ص ۵۹-۶۰، چاپ محی الدین عبدالحمید، بیروت (بی تا).

و شهرستانی

[۲۰۸] مجد بن عبدالکریم شهرستانی، کتاب الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۴۷، چاپ افسست قم ۱۳۶۴ ش.

از فرقه‌ای به نام **باقریه** یاد کرده‌اند که پس از امام باقر علیه‌السلام فرد دیگری را به امامت نپذیرفته‌اند.

بغدادی در باره این گروه می‌نویسد که آنها ابوجعفر محمد بن علی را مهدی منتظر می‌دانند و در اثبات ادّعای خود به حدیث معروف جابر از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استناد می‌کنند.

به موجب این حدیث، که پیشتر نیز به آن اشاره شد، پیامبر به جابر خبر داده بود که محمد بن علی را خواهد دید و از او خواسته بود که سلام او را به وی برساند.

بغدادی از قول آنان نوشته است که سلام رساندن پیامبر به حضرت باقر علیه‌السلام دلالت بر **مهدویت** او می‌کند.

وی سپس این استناد را ردّ کرده و مسلم بودن وفات امام باقر علیه‌السلام را نیز شاهد بر نادرستی آن ادّعا دانسته است.

صدقی

[۲۰۹] صدقی، خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات، ج ۲، ص ۷۷.

نیز همین مطالب را آورده است.

امّا شهرستانی باقریه را معتقدان به **رجعت** حضرت باقر می‌داند و آنها را از آنجا که آن حضرت را آخرین امام خوانده‌اند، با وصف «**واقفه**» (توقّف کنندگان) یاد می‌کند.

با این‌همه، مهمّ این است که در مآخذ شیعی یا منابع متقدّم ملل و نحل، فرقه‌ای به این نام ذکر نشده و معلوم نیست که این نام از کی و بر چه اساسی وارد کتاب‌های ملل و نحل متأخر شده است.

رابطه امام باقر (علیه‌السلام) و شیعیان

شاگردان و پیروان امام باقر علیه‌السلام از جهات گوناگون اختلاف مرتبت داشتند.

اوضاع خاصّ اجتماعی - سیاسی و وجود مخالفانی با انگیزه‌های مختلف، پای‌داری **شیعیان** را بر اعتقاد خود دشوار کرده بود تا آنجا که برخی از آنها به

دستاویز موضوعی بی اهمیت، دچار دودلی شدند و از امامت آن حضرت برگشتند.

[۲۱۰] طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۸.

در این شرایط، آن حضرت از تربیت کسانی که ضمن پای‌داری بر اعتقاد شیعی بتوانند مبین و مدافع آرای شیعی در جامعه اسلامی باشند، به هیچ روی فروگذاری نمی‌کرد و به خصوص نسبت به کسانی چون **محمد بن مسلم**، **زرارة بن اعین**، **حمران بن اعین** و **فضیل بن یسار** که از فرصت‌های مختلف برای فراگیری دانش‌های اسلامی از امام باقر علیه‌السلام بهره می‌جستند و در نشر آنها می‌کوشیدند، تقدیر می‌کرد و با این‌همه از آنان می‌خواست که همه آموخته‌های خود را به هر کسی نگویند و خصوصاً مراقب مأموران دستگاه خلافت باشند.

[۲۱۱] طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۶۲.

[۲۱۲] طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۷۸.

[۲۱۳] طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۹۲.

همچنانکه فرزندش حضرت صادق علیه السلام نیز از آنها به نیکی یاد می‌کرد و آنها را احیاکنندگان آثار پدرش می‌خواند.
[۲۱۵] طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۷.

امام هم‌چنین شاعرانی چون کُمَیْت را که با سرودن اشعار در نشر افکار شیعه تلاش می‌کردند، تشویق می‌کرد.
[۲۱۶] طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۰۷.
[۲۱۷] طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۴۵.

به این ترتیب بود که اقدامات و روش‌های مختلف امام باقر علیه السلام به شکل‌گیری مجدّد جامعه شیعی انجامید.

عناوین مرتبط

• امام علی علیه السلام • امام حسن علیه السلام • امام حسین علیه السلام • امام سجاد علیه السلام • امام صادق علیه السلام • امام کاظم علیه السلام • امام رضا علیه السلام • امام علی النقی علیه السلام • امام حسن عسکری علیه السلام • امام مهدی علیه السلام

فهرست منابع

- (۱) محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۲.
- (۲) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، چاپ مجد ابوالفضل ابراهیم، (مصر) ۱۳۸۵-۱۹۶۷/۱۳۸۷-۱۹۶۷.
- (۳) ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت ۱۳۹۹-۱۹۷۹/۱۴۰۲-۱۹۸۲.
- (۴) ابن بابویه، علل الشرایع، نجف ۱۳۸۵.
- (۵) ابن جوزی، صفة الصوفة، بیروت ۱۳۹۹/۱۹۷۹.
- (۶) ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، بیروت ۱۳۹۰/۱۹۷۱.
- (۷) ابن حجر هیتمی، الصواعق المخرفة فی الرد علی اهل البدع والزندقة، چاپ عبدالوهاب عبداللطیف، قاهره ۱۳۸۵/۱۹۶۵.
- (۸) ابن حنبل، مسند، استانبول ۱۴۰۲/۱۹۸۲.
- (۹) ابن خلکان، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، چاپ مجد محی الدین عبدالحمید، قاهره ۱۹۴۸-۱۹۴۹.
- (۱۰) ابن سعد، کتاب الطبقات الکبیر، چاپ ادوارد سخو، لیدن ۱۳۳۱-۱۳۴۷.
- (۱۱) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم (۱۳۷۹).
- (۱۲) ابن عساکر، ترجمة الامام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام و تلیها ترجمة ابنه الامام مجد الباقر علیه السلام من تاریخ مدینة دمشق، چاپ مجد باقر محمودی، تهران ۱۴۱۲.
- (۱۳) ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت ۱۳۹۹/۱۹۷۹.
- (۱۴) ابن قتیبه، کتاب عیون الاخبار، بیروت (بی تا).
- (۱۵) ابن منظور، لسان العرب، بیروت ۱۹۵۵-۱۹۵۶.
- (۱۶) ابن ندیم، کتاب الفهرست، چاپ رضا تجدد، تهران ۱۳۵۰ ش.
- (۱۷) احمد بن عبدالله ابونعیم، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بیروت ۱۳۸۷/۱۹۶۷.
- (۱۸) علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّه فی معرفة الأئمة، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.
- (۱۹) سعد بن عبدالله اشعری، کتاب المقالات و الفرق، چاپ مجد جواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.
- (۲۰) علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، چاپ مجد محی الدین عبدالحمید، (بی تا) ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
- (۲۱) محسن امین، اعیان الشیعه، بیروت ۱۴۰۲/۱۹۸۲.
- (۲۲) مجد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، استانبول ۱۹۸۱.
- (۲۳) عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، چاپ مجد محی الدین عبدالحمید، بیروت (بی تا).
- (۲۴) احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، بیروت ۱۳۹۷/۱۹۷۷.
- (۲۵) علی بن یونس بیاضی، الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم، چاپ مجد باقر بهبودی، تهران ۱۳۸۴.
- (۲۶) ابراهیم بن مجد بهیقی، المحاسن و المساوی، چاپ مجد ابوالفضل ابراهیم، قاهره (تاریخ مقدمه ۱۹۶۱/۱۳۸۰).
- (۲۷) مجد تقی تستری، قاموس الرجال، قم ۱۴۱۰.
- (۲۸) مجد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت (بی تا).
- (۲۹) مجد بن حسن حر عاملی، اثبات الهداة بالفضو و المعجزات، چاپ هاشم رسولی، ج ۵، با شرح و ترجمه فارسی احمد جنتی، تهران ۱۳۵۷ ش.
- (۳۰) مجد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، چاپ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت ۱۳۸۳/۱۴۰۲.
- (۳۱) مجد بن موسی دمیری، حیاة الحيوان الکبری، چاپ افست قم ۱۳۶۴ ش.
- (۳۲) مجد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، بیروت ۱۴۰۲-۱۴۰۹/۱۳۸۲-۱۹۸۸.
- (۳۳) مجد بن احمد ذهبی، الکشاف فی معرفة من له رواية فی الکتب السنّة، چاپ عزت علی عید عطیه و موسی مجد علی موشی، قاهره ۱۳۹۲/۱۹۷۲.
- (۳۴) محمود بن عمر زمخشری، ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، چاپ سلیم نعیمی، قم ۱۴۱۰.
- (۳۵) سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.
- (۳۶) مجد بن عبدالکریم شهرستانی، کتاب الملل والنحل، چاپ افست قم ۱۳۶۴ ش.
- (۳۷) خلیل بن ابیک صفدی، کتاب الوافی بالوفیات، و بسیادن ۱۹۶۲-۱۹۷۹.
- (۳۸) احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، چاپ مجد باقر موسوی خراسان، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.
- (۳۹) فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۳۹۹/۱۹۷۹.
- (۴۰) مجد بن حسن طوسی، تلخیص الشافی، چاپ حسین بحر العلوم، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.
- (۴۱) مجد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، نجف ۱۲۸۰/۱۹۶۱.
- (۴۲) مجد بن حسن طوسی، مصباح المتهد، بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۱.
- (۴۳) مرتضی عسکری، معالم المدرستین، تهران ۱۴۰۵.
- (۴۴) مجد بن ابراهیم عطار، کتاب تذکرة الاولیاء، چاپ نیکلسون، لیدن ۱۹۰۵، (تهران، بی تا).
- (۴۵) علی بن حسین علم الهدی، الذخيرة فی علم الکلام، احمد حسینی، قم ۱۴۱۱.
- (۴۶) علی بن مجد علوی عمری، المجدی فی انساب الطالبین، چاپ احمد مهدوی دامغانی، قم ۱۴۰۹.
- (۴۷) مجد فاضل لنکرانی، «مصاحبه با استناد آیت الله حاج شیخ مجد فاضل»، نور علم، دوره ۲، ش ۶ (فروردین ۱۳۶۸).
- (۴۸) نعمان بن مجد قاضی نعمان، دعائم الاسلام، چاپ آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره (۱۹۶۳-۱۹۶۵).
- (۴۹) عباس قمی، منتهی الامال، تهران (بی تا).
- (۵۰) مجد بن عمر کنشی، اختیار معرفة الرجال، (تلخیص) مجد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۴۸ ش.
- (۵۱) مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.
- (۵۲) عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف ۱۳۵۲-۱۳۴۹.
- (۵۳) مجد باقر بن مجد تقی مجلسی، بحار الانوار، بیروت ۱۴۰۳.
- (۵۴) مجد باقر بن مجد تقی مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران ۱۳۶۲ ش.
- (۵۵) مجد بن مجد مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ عبدالستار احمد فراخ (و دیگران)، کویت ۱۳۸۵-۱۴۰۶/۱۹۶۵-۱۹۸۶.
- (۵۶) علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، چاپ مجد محی الدین عبدالحمید، مصر ۱۳۸۴-۱۳۸۵/۱۹۶۴-۱۹۶۵.

- (٥٧) مجد بن مجد مفيد، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم ١٤١٢.
- (٥٨) احمد بن على نجاشى، فهرست اسما مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشى، چاپ موسى شيبيرى زنجانى، قم ١٤٠٧.
- (٥٩) حسن بن موسى نوبختى، فرق الشيعة، ترجمه مجدجواد مشكور، تهران ١٢٤١ ش.
- (٦٠) على بن عثمان هجوبرى، كشف المحجوب، چاپ زوكوفسكى، تهران ١٣٥٨ ش.
- (٦١) احمد بن اسحاق يعقوبى، تاريخ يعقوبى، بيروت (بى تا)؛

پانویس

١. ↑ مامقانى، عبدالله، تنقيح المقال فى علم الرجال، ج٢، ص٤٣٤-٤٣٥.
٢. ↑ اربلى، على بن عيسى، كشف الغمّة فى معرفة الائمة، ج٢، ص٣٢٩.
٣. ↑ ابن عساکر، ترجمة الامام زين العابدين على بن الحسين عليه السلام و تليها ترجمة ابنه الامام مجدالباقر عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق، ج١، ص١٤١١٤١٢.
٤. ↑ ابن شهر آشوب، مجد بن على، مناقب آل ابى طالب، ج٣، ص٣٢٨.
٥. ↑ كلينى، مجد بن يعقوب، الكافى، ج١، ص٤٦٩.
٦. ↑ سبط ابن جوزى، تذكرة الخواص، ج١، ص٣٠٢.
٧. ↑ ابن خلکان، شمس الدين، وفيات الاعيان، ج٤، ص١٧٤.
٨. ↑ يعقوبى، احمد بن اسحاق، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص٣٠٥.
٩. ↑ بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، ج٢، ص١٤٧.
١٠. ↑ علوى، على بن مجد، المجدى فى انساب الطالبين، ج١، ص٢٠.
١١. ↑ اربلى، على بن عيسى، كشف الغمّة فى معرفة الائمة، ج٢، ص٣٣١.
١٢. ↑ مفيد، مجد بن مجد، الارشاد، ج٢، ص١٧٦.
١٣. ↑ ذهبى، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠٦.
١٤. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢١٨.
١٥. ↑ ابن سعد، مجد، الطبقات الكبير، ج٥، ص٣٢٠.
١٦. ↑ ابن جوزى، عبدالرحمان بن على، صفة الصفوة، ج٢، ص١٠٨.
١٧. ↑ ابن جوزى، عبدالرحمان بن على، صفة الصفوة، ج٢، ص٢٥٩.
١٨. ↑ كلينى، مجد بن يعقوب، الكافى، ج١، ص٤٦٩.
١٩. ↑ اربلى، على بن عيسى، كشف الغمّة فى معرفة الائمة، ج٢، ص٣٢٨.
٢٠. ↑ مفيد، مجد بن مجد، الارشاد، ج١، ص١٥٨.
٢١. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢١٢٢١٩.
٢٢. ↑ ابن خلکان، شمس الدين، وفيات الاعيان، ج٤، ص١٧٤.
٢٣. ↑ حنبلى، ابن عماد، شذرات الذهب فى اخبار من ذهب، ج٢، ص٧٢.
٢٤. ↑ ذهبى، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠١.
٢٥. ↑ صفدى، خليل بن ابيك، الوافى بالوفيات، ج٤، ص٧٧.
٢٦. ↑ طوسى، مجد بن حسن، مصباح المتوحد، ج١، ص٨٠١.
٢٧. ↑ طبرسى، فضل بن حسن، اعلام الورى باعلام الهدى، ج١، ص٤٩٨.
٢٨. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢١٢ ٢١٩.
٢٩. ↑ امين، محسن، اعيان الشيعة، ج١، ص٦٤٥.
٣٠. ↑ قمى، عباس، منتهى الامال، ج٢، ص٩٦.
٣١. ↑ ابن خلکان، شمس الدين، وفيات الاعيان، ج٤، ص١٧٤.
٣٢. ↑ ابن سعد، مجد، الطبقات الكبير، ج٥، ص٣٢٤.
٣٣. ↑ ابن اثير، ابوالحسن، الكامل فى التاريخ، ج٥، ص١٨٠.
٣٤. ↑ حنبلى، ابن عماد، شذرات الذهب فى اخبار من ذهب، ج٢، ص٧٢.
٣٥. ↑ ذهبى، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠١.
٣٦. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢١٢٢١٩.
٣٧. ↑ يعقوبى، احمد بن اسحاق، تاريخ يعقوبى، ج٢، ص٣٢٠.
٣٨. ↑ حنبلى، ابن عماد، شذرات الذهب فى اخبار من ذهب، ج٢، ص٧٢.
٣٩. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢١٢٢١٩.
٤٠. ↑ امين، محسن، اعيان الشيعة، ج١، ص٦٤٥.
٤١. ↑ قمى، عباس، منتهى الامال، ج٢، ص١٣٥.
٤٢. ↑ ابن خلکان، شمس الدين، وفيات الاعيان، ج٤، ص١٧٤.
٤٣. ↑ صفدى، خليل بن ابيك، الوافى بالوفيات، ج٤، ص٧٧.
٤٤. ↑ ابن خلکان، شمس الدين، وفيات الاعيان، ج٢، ص٢٧٨.
٤٥. ↑ كلينى، مجد بن يعقوب، الكافى، ج١، ص٤٧٢.
٤٦. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢١٧.
٤٧. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢١٧.
٤٨. ↑ قمى، عباس، منتهى الامال، ج٢، ص١٣٥.
٤٩. ↑ ابن شهر آشوب، مجد بن على، مناقب آل ابى طالب، ج٣، ص٣٣٠.
٥٠. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢١٦.
٥١. ↑ امين، محسن، اعيان الشيعة، ج١، ص٦٤٥.
٥٢. ↑ مسعودى، على بن حسين، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج٢، ص٢٣٢.
٥٣. ↑ كلينى، مجد بن يعقوب، الكافى، ج١، ص٤٧١٤٧٢.
٥٤. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٣٠٦٣٢٠.
٥٥. ↑ بيهقى، ابراهيم بن مجد، المحاسن و المساوى، ج٢، ص٢٣٢-٢٣٤.
٥٦. ↑ ابن عساکر، ترجمة الامام زين العابدين على بن الحسين عليه السلام و تليها ترجمة ابنه الامام مجدالباقر عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق، ج١، ص١٢٧٨١٢٧.

٥٧. ↑ ابن سعد، مجد، الطبقات الكبير، ج٥، ص٣٢٠.
٥٨. ↑ ابن شهر آشوب، مجد بن علي، مناقب آل أبي طالب، ج٤، ص٢١٠.
٥٩. ↑ اربلي، علي بن عيسى، كشف الغمّة في معرفة الأئمة، ج٢، ص٣٣٠.
٦٠. ↑ علوي، علي بن مجد، المجدي في انساب الطالبين، ج١، ص٩٤.
٦١. ↑ علوي، علي بن مجد، المجدي في انساب الطالبين، ج١، ص٩٤.
٦٢. ↑ ابن شهر آشوب، مجد بن علي، مناقب آل أبي طالب، ج٢، ص٣٣٩.
٦٣. ↑ مفيد، مجد بن مجد الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج٢، ص١٦١.
٦٤. ↑ مجد بن يعقوب كليبي، الكافي، ج٦، ص٢٨٠، چاپ على أكبر غفاري، بيروت ١٤٠١.
٦٥. ↑ مجد بن يعقوب كليبي، الكافي، ج٦، ص٤٤٦، چاپ على أكبر غفاري، بيروت ١٤٠١.
٦٦. ↑ مجد بن يعقوب كليبي، الكافي، ج٦، ص٤٤٨، چاپ على أكبر غفاري، بيروت ١٤٠١.
٦٧. ↑ ذهبي، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠٢.
٦٨. ↑ مجد بن مجد مفيد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج٢، ص١٦٢، قم ١٤١٣.
٦٩. ↑ مجدباقر بن مجدتي مجلسي، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٩٤، بيروت ١٤٠٣.
٧٠. ↑ مجدباقر بن مجدتي مجلسي، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٩٠-٢٩١، بيروت ١٤٠٣.
٧١. ↑ مجدباقر بن مجدتي مجلسي، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٨٨، بيروت ١٤٠٣.
٧٢. ↑ مجدباقر بن مجدتي مجلسي، بحار الانوار، ج٤٦، ص٣٠٣، بيروت ١٤٠٣.
٧٣. ↑ ابن قتيبه، كتاب عيون الاخبار، ج٢، ص٢٠٨، بيروت (بي تا).
٧٤. ↑ احمد بن عبدالله ابونعيم، حلية الاولياء وطبقات الاصفياء، ج٣، ص١٨٠، بيروت ١٣٨٧/١٩٦٧.
٧٥. ↑ مجد بن ابراهيم عطار، كتاب تذكرة الاولياء، ج٢، ص٣٢٩، چاپ نيكلسون، ليدن ١٩٠٥، (تهران، بي تا).
٧٦. ↑ علي بن عثمان هجويري، كشف المحجوب، ج١، ص٩٢-٩٣، چاپ زوكوفسكي، تهران ١٣٥٨ ش.
٧٧. ↑ ابن حجر هيثمي، الصواعق المخرفة في الرد على اهل البدع والزندقة، ج١، ص٢٠١، چاپ عبدالوهاب عبداللطيف، قاهره ١٩٦٥/١٣٨٥.
٧٨. ↑ مجد بن يعقوب كليبي، الكافي، ج٢، ص٤٩٩، چاپ على أكبر غفاري، بيروت ١٤٠١.
٧٩. ↑ مجدباقر بن مجدتي مجلسي، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٩٧، بيروت ١٤٠٣.
٨٠. ↑ علي بن عيسى اربلي، كشف الغمّة في معرفة الأئمة، ج٢، ص٣٢٩، بيروت ١٣٨١/١٤٠١.
٨١. ↑ مجدباقر بن مجدتي مجلسي، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٩٣٠٠، بيروت ١٤٠٣.
٨٢. ↑ ابن عساکر، ترجمة الامام زين العابدين علي بن الحسين عليه السلام و تليها ترجمة ابنه الامام مجدباقر عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق، ج١، ص١٦١، چاپ مجدباقر محمودي، تهران ١٤١٣.
٨٣. ↑ ابن قتيبه، كتاب عيون الاخبار، ج٢، ص٥٧، بيروت (بي تا).
٨٤. ↑ ابن شهر آشوب، مجد بن علي، مناقب آل أبي طالب، ج٢، ص٣٣٧.
٨٥. ↑ ذهبي، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠٢.
٨٦. ↑ ابن سعد، مجد، الطبقات الكبير، ج٥، ص٣٢٣.
٨٧. ↑ مجلسي، مجدباقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٢٠.
٨٨. ↑ ابن قتيبه، كتاب عيون الاخبار، ج١، ص٢١٢، بيروت (بي تا).
٨٩. ↑ الذخيرة في علم الكلام، احمد حسيني، قم ١٤١١.
٩٠. ↑ ابن بابويه، علل الشرايع، ج١، ص٢٢٣، نجف ١٢٨٥.
٩١. ↑ الذخيرة في علم الكلام، احمد حسيني، قم ١٤١١.
٩٢. ↑ حنبلي، ابن عماد، شذرات الذهب في اخبار من ذهب، ج٢، ص٧٢.
٩٣. ↑ ابن خلكان، شمس الدين، وفيات الاعيان، ج٤، ص١٧٤.
٩٤. ↑ صفدي، خليل بن ايبيك، الوافي بالوفيات، ج٤، ص٧٧.
٩٥. ↑ ذهبي، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠٢.
٩٦. ↑ مرتضى عسكري، معالم المدرستين، ج٢، ص٤٤، تهران ١٤٠٥.
٩٧. ↑ ذهبي، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠٢.
٩٨. ↑ ذهبي، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠٢.
٩٩. ↑ مجد بن مجد مفيد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج٢، ص١٥٧، قم ١٤١٣.
١٠٠. ↑ ذهبي، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٥، ص٢٠٨٢١٣.
١٠١. ↑ احمد بن عبدالله ابونعيم، حلية الاولياء وطبقات الاصفياء، ج٢، ص١٨٦، بيروت ١٣٨٧/١٩٦٧.
١٠٢. ↑ ابن عساکر، ترجمة الامام زين العابدين علي بن الحسين عليه السلام و تليها ترجمة ابنه الامام مجدباقر عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق، ج١، ص١٤٢، چاپ مجدباقر محمودي، تهران ١٤١٣.
١٠٣. ↑ مجد بن مجد مفيد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج٢، ص١٠٦، قم ١٤١٣.
١٠٤. ↑ سبط ابن جوزي، تذكرة الخواص، ج١، ص٢٠٢، بيروت ١٣٨١/١٤٠١.
١٠٥. ↑ امين، محسن، اعيان الشيعة، ج١، ص٦٤٤.
١٠٦. ↑ ابن سعد، مجد، الطبقات الكبير، ج٥، ص٣٢٤.
١٠٧. ↑ مجد بن حسن طوسي، رجال الطوسي، ج١، ص١٠٢-١٤٢، نجف ١٩٦١/١٣٨٠.
١٠٨. ↑ مجدباقر بن مجدتي مجلسي، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٤٠، بيروت ١٤٠٣.
١٠٩. ↑ علي بن عيسى اربلي، ج٢، ص٢٣٧، به نقل از مفيد، كشف الغمّة في معرفة الأئمة، بيروت ١٣٨١/١٤٠١.
١١٠. ↑ طوسي، مجد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج١، ص١٦٣.
١١١. ↑ طوسي، مجد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج١، ص٣٩١.
١١٢. ↑ مجلسي، مجدباقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٣٢٨.
١١٣. ↑ طوسي، مجد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج٢، ص٥٠٧.
١١٤. ↑ ذهبي، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠٢.
١١٥. ↑ مجد بن اسماعيل بخاري، صحيح البخاري، ج١، ص٦٨، استانبول ١٩٨١.
١١٦. ↑ مجد بن اسماعيل بخاري، صحيح البخاري، ج١، ص٦٩، استانبول ١٩٨١.
١١٧. ↑ دعائم الاسلام، چاپ آصف بن علي اصغر فيضي، (قاهره) ١٩٦٣-١٩٦٥.
١١٨. ↑ ابن حجر عسقلاني، لسان الميزان، ج١، ص١٠-١٢، بيروت ١٩٧١/١٣٩٠.
١١٩. ↑ مجد بن مجد مفيد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج٢، ص١٦٧، قم ١٤١٣.

١٢٠. ↑ مجدباقر بن مجدتنقى مجلسى، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٨٨، بيروت ١٤٠٣.
١٢١. ↑ ابن حنبل، مسند، ج١، ص٧٥-١٦٠، استانبول ١٩٨٢/١٤٠٢.
١٢٢. ↑ ابن حنبل، مسند، ج١، ص٧٧-٨٠، استانبول ١٩٨٢/١٤٠٢.
١٢٣. ↑ ابن حنبل، مسند، ج١، ص٩٠، استانبول ١٩٨٢/١٤٠٢.
١٢٤. ↑ ابن حنبل، مسند، ج١، ص١٠١، استانبول ١٩٨٢/١٤٠٢.
١٢٥. ↑ ابن حنبل، مسند، ج١، ص١٠٣، استانبول ١٩٨٢/١٤٠٢.
١٢٦. ↑ حاكم نيشابورى، مجد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٢، ص٢٢.
١٢٧. ↑ حاكم نيشابورى، مجد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٢، ص٤٢٨.
١٢٨. ↑ حاكم نيشابورى، مجد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٢، ص٥٨٨.
١٢٩. ↑ حاكم نيشابورى، مجد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٢، ص١٤٤.
١٣٠. ↑ حاكم نيشابورى، مجد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٢، ص١٦٢.
١٣١. ↑ حاكم نيشابورى، مجد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٢، ص١٧٢.
١٣٢. ↑ حاكم نيشابورى، مجد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٢، ص٥١٦.
١٣٣. ↑ حاكم نيشابورى، مجد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٢، ص٥٤٨.
١٣٤. ↑ حاكم نيشابورى، مجد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٢، ص٢٢.
١٣٥. ↑ حاكم نيشابورى، مجد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٢، ص٣٤٥.
١٣٦. ↑ احمد بن عبدالله ابونعيم، حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، ج٢، ص١٨٨، بيروت ١٩٦٧/١٣٨٧.
١٣٧. ↑ امين، محسن، اعيان الشيعة، ج١، ص٦٥١.
١٣٨. ↑ مجد بن احمد ذهبى، الكشاف فى معرفة من له رواية فى الكتب الستة، ج٢، ص٧٩-٨٠، چاپ عزت على عيد عطيه و موسى مجد على موسى، قاهره ١٣٩٢/١٩٧٣.
١٣٩. ↑ ابن نديم، كتاب الفهرست، ج١، ص٣٦، چاپ رضا تجدد، تهران ١٣٥٠ ش.
١٤٠. ↑ احمد بن على نجاشى، فهرست اسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشى، ج١، ص١٧٠، چاپ موسى شيبيرى زنجانى، قم ١٤٠٧.
١٤١. ↑ مجد محسن آقابزرگ طهرانى، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج٢، ص٢٥١، چاپ على نقى منزوى و احمد منزوى، بيروت ١٩٨٢/١٤٠٢.
١٤٢. ↑ مجد محسن آقابزرگ طهرانى، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج٢، ص٣٠٣، چاپ على نقى منزوى و احمد منزوى، بيروت ١٩٨٢/١٤٠٢.
١٤٣. ↑ مجد محسن آقابزرگ طهرانى، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج٢، ص٣٠٣-٣٠٤، چاپ على نقى منزوى و احمد منزوى، بيروت ١٩٨٢/١٤٠٢.
١٤٤. ↑ مرتضى عسكرى، معالم المدرستين، ج٢، ص٤٤٨، تهران ١٤٠٥.
١٤٥. ↑ مجد بن مجد مفيد، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، ج٢، ص١٦٢، قم ١٤١٣.
١٤٦. ↑ مجد فاضل لنكرانى، «مصاحبه با استاد آيت الله حاج شيخ مجد فاضل»، ج١، ص١٤، نور علم، دوره ٣، ش ٦ (فروردين ١٣٦٨).
١٤٧. ↑ مجد بن يعقوب كلينى، الكافى، ج٢، ص٤١٥٤١٦، چاپ على اكبر غفارى، بيروت ١٤٠١.
١٤٨. ↑ طوسى، مجد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج١، ص٢٢٢٢٢٢.
١٤٩. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٢٢٢٨٦.
١٥٠. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٤٧٢٥٩.
١٥١. ↑ احمد بن على طبرسى، الاحتجاج، ج٢، ص٢٢١-٢٢٢، چاپ مجدباقر موسوى خرسان، بيروت ١٩٨١/١٤٠١.
١٥٢. ↑ امين، محسن، اعيان الشيعة، ج١، ص٦٤٧.
١٥٣. ↑ مجد بن يعقوب كلينى، الكافى، ج٨، ص١٢٠، چاپ على اكبر غفارى، بيروت ١٤٠١.
١٥٤. ↑ ذهبى، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٥، ص٩٥.
١٥٥. ↑ مفيد، مجد بن مجد، الارشاد، ج٢، ص١٦٤١٦٥.
١٥٦. ↑ ابن اثير، ابوالحسن، الكامل فى التاريخ، ج٢، ص١٩٤.
١٥٧. ↑ كلينى، مجد بن يعقوب، الكافى، ج٨، ص١٢٠.
١٥٨. ↑ ذهبى، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٥، ص١٠١.
١٥٩. ↑ كلينى، مجد بن يعقوب، الكافى، ج٨، ص١٢٠.
١٦٠. ↑ مجلسى، مجدباقر، بحار الانوار، ج١٠، ص١٦١.
١٦١. ↑ كلينى، مجد بن يعقوب، الكافى، ج١، ص٨٨.
١٦٢. ↑ تسترى، مجدتنقى، قاموس الرجال، ج٩، ص١٨٢-١٨٤.
١٦٣. ↑ كلينى، مجد بن يعقوب، الكافى، ج٨، ص١٢٠.
١٦٤. ↑ ذهبى، مجد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٢، ص٤٠٥.
١٦٥. ↑ مفيد، مجد بن مجد، الارشاد، ج٢، ص١٦٢١٦٤.
١٦٦. ↑ كلينى، مجد بن يعقوب، الكافى، ج١، ص٤٧١.
١٦٧. ↑ معتزلى، ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، ج١١، ص٤٣٤٤.
١٦٨. ↑ زمخشرى، محمود بن عمر، ربيع الاربار و نصوص الاخبار، ج٢، ص٥١٤.
١٦٩. ↑ طوسى، مجد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج١، ص٢٠٤.
١٧٠. ↑ طوسى، مجد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج١، ص٢٢٢-٢٢٣.
١٧١. ↑ حرعالملى، مجد بن حسن، وسائل الشيعة، ج٢، ص٤٢٥.
١٧٢. ↑ بيهقى، ابراهيم بن مجد، المحاسن و المساوى، ج٢، ص٢٢٢-٢٢٤.
١٧٣. ↑ دميرى، مجد بن موسى، حياة الحيوان الكبرى، ج١، ص٩٠-٩٢.
١٧٤. ↑ اشعري، على بن اسماعيل، مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين، ج١، ص٨٨-٩٧.
١٧٥. ↑ اشعري، سعد بن عبدالله، كتاب المقالات و الفرق، ج١، ص٧٤-٧٦.
١٧٦. ↑ نويختى، حسن بن موسى، فرق الشيعة، ج١، ص٩١-٩٤.
١٧٧. ↑ طوسى، مجد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج٢، ص٥٠٥.
١٧٨. ↑ حسن بن موسى نويختى، فرق الشيعة، ج١، ص٤٧-٦٠، ترجمه مجدجواد مشكور، تهران ١٣٦١ ش.
١٧٩. ↑ على بن اسماعيل اشعري، مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين، ج١، ص٩٠-٩٦، چاپ مجد محى الدين عبدالحميد، (بى جا) ١٩٨٥/١٤٠٥.
١٨٠. ↑ سعد بن عبدالله اشعري، كتاب المقالات و الفرق، ج١، ص٢٥-٤٤، چاپ مجدجواد مشكور، تهران ١٣٦١ ش.
١٨١. ↑ حسن بن موسى نويختى، فرق الشيعة، ج١، ص٨٨-٨٥، ترجمه مجدجواد مشكور، تهران ١٣٦١ ش.
١٨٢. ↑ سعد بن عبدالله اشعري، كتاب المقالات و الفرق، ج١، ص٧١-٧٢، چاپ مجدجواد مشكور، تهران ١٣٦١ ش.
١٨٣. ↑ مجد بن مجد مفيد، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، ج٢، ص١٧٢، قم ١٤١٣.

۱۸۴. ↑ مجتدقی تستری، قاموس الرجال، ج ۴، ص ۲۵۹-۲۷۶، قم ۱۴۱۰.
۱۸۵. ↑ مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۰۵۳-۳۰۵۴، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.
۱۸۶. ↑ مجدباقر بن مجتدقی مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۳، ص ۳۲۴، تهران ۱۳۶۳ ش.
۱۸۷. ↑ مجد بن حسن طوسی، تلخیص الشافی، ج ۴، ص ۱۹۴، چاپ حسین بحر العلوم، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.
۱۸۸. ↑ مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۰۵۳-۳۰۵۴، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.
۱۸۹. ↑ علی بن یونس بیاضی، الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۲، چاپ مجدباقر بهبودی، تهران ۱۳۸۴.
۱۹۰. ↑ مجدباقر بن مجتدقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۲۳۳، بیروت ۱۴۰۳.
۱۹۱. ↑ مجد بن حسن حر عاملی، اثبات الهداة بالفصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۲۶۱-۲۶۵، چاپ هاشم رسولی، ج ۵، با شرح و ترجمه فارسی احمد جنتی، تهران ۱۳۵۷ ش.
۱۹۲. ↑ علی بن حسین علم الهدی، الذخیره فی علم الکلام، ج ۱، ص ۵۰۳، احمد حسینی، قم ۱۴۱۱.
۱۹۳. ↑ مجد بن حسن طوسی، تلخیص الشافی، ج ۴، ص ۱۹۳، چاپ حسین بحر العلوم، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.
۱۹۴. ↑ مجد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۹۴۷۳، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.
۱۹۵. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۵۶-۲۶۰.
۱۹۶. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۴۸.
۱۹۷. ↑ علی بن یونس بیاضی، الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۸۵، چاپ مجدباقر بهبودی، تهران ۱۳۸۴.
۱۹۸. ↑ مجدباقر بن مجتدقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۳۲۸۶، بیروت ۱۴۰۳.
۱۹۹. ↑ مجدباقر بن مجتدقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۰۶۲۳۰، بیروت ۱۴۰۳.
۲۰۰. ↑ مجد بن حسن حر عاملی، اثبات الهداة بالفصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۲۶۹-۲۷۲، چاپ هاشم رسولی، ج ۵، با شرح و ترجمه فارسی احمد جنتی، تهران ۱۳۵۷ ش.
۲۰۱. ↑ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۵۰-۳۵۱، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.
۲۰۲. ↑ مجدباقر بن مجتدقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۶۹، بیروت ۱۴۰۳.
۲۰۳. ↑ علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۷۵-۶۸، چاپ محی الدین عبدالحمید، (بی جا) ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
۲۰۴. ↑ علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۹۶-۹۷، چاپ محی الدین عبدالحمید، (بی جا) ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
۲۰۵. ↑ حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۹۴-۹۶، ترجمه مجدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.
۲۰۶. ↑ سعد بن عبدالله اشعری، کتاب المقالات و الفرق، ج ۱، ص ۷۷-۷۶، چاپ مجدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.
۲۰۷. ↑ عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، ج ۱، ص ۵۹-۶۰، چاپ محی الدین عبدالحمید، بیروت (بی تا).
۲۰۸. ↑ مجد بن عبدالکریم شهرستانی، کتاب الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۴۷، چاپ افسست قم ۱۳۶۴ ش.
۲۰۹. ↑ صفدی، خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۷۷.
۲۱۰. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۸.
۲۱۱. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۶۲.
۲۱۲. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۷۸.
۲۱۳. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۹۳.
۲۱۴. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۱۳.
۲۱۵. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۷.
۲۱۶. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۰۷-۲۰۸.
۲۱۷. ↑ طوسی، مجد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۴۵.

منبع

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «امام باقر علیه السلام»، شماره ۲۷۴.

آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۲۳۷-۲۳۸، رسول جعفریان.

رده‌های این صفحه : امام باقر | امامت امام باقر | تاریخ معصومان | سیره امام باقر | سیره سیاسی امامان شیعه | شهادت امام باقر